

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خطبه فدکیه

تهیه و تنظیم:
گروه پژوهش مؤسسه بیان معنوی

بیان معنوی

فهرست

- ۴ متن خطبه با ترجمه مقابل
- ۴ ستایش خداوند، شکر نعمت‌ها، و شهادت بر یگانگی خدا
- ۵ هدف از آفرینش
- ۶ فلسفه ثواب و عقاب
- ۷ شهادت به رسالت حضرت محمد(ص)
- ۸ وضع مردم قبل و بعد از بعثت
- ۹ وفات رسول خدا(ص)
- ۱۰ قرآن میراث پیامبر(ص) در میان امت
- ۱۲ اسرار عبادات و احکام دین
- ۱۴ معرفی خود و خدمات پیامبر(ص)
- ۱۷ حقارت مردم قبل از اسلام
- ۱۸ علی(ع) و فداکاری‌های او
- ۱۹ سرزنش رفاه‌طلبان و فتنه‌گران
- ۲۰ ظاهر شدن چهره نفاق پس از رحلت پیامبر(ص)
- ۲۱ غصب خلافت
- ۲۳ آری، شما سوار بر ناقه خلافت شدید
- ۲۴ دادخواهی درباره غصب فدک در برابر ابوبکر
- ۲۷ عذاب قیامت برای غاصبان
- ۲۸ سرزنش انصار، به خاطر سکوت و کوتاهی ایشان
- ۳۱ و آنچه در کتاب خداست، این است
- ۳۱ حضرت دوباره به انصار خطاب فرمود: چرا حمایت نمی‌کنید؟
- ۳۶ هشدار به غاصبین خلافت
- ۳۷ پاسخ ابوبکر
- ۳۸ هشدار و اتمام حجّت نهایی حضرت به مسلمانان
- ۴۰ متن فارسی خطبه
- ۵۰ متن عربی خطبه

علامه طبرسی در کتاب احتجاج، به نقل از عبدالله بن حسن، نواده امام حسن مجتبی (ع)، از پدراننش چنین نقل می‌کند: «هنگامی که خبر غصب فدک به حضرت زهرا (س) رسید، لباس بر تن کرده و چادر بر سر نهاد، و با گروهی از زنان به سوی مسجد روانه شد، به مسجد پیامبر (ص) وارد شد، و در پشت پرده‌ای نشست و ناله‌ای سرداد. مردم به گریه افتادند و مجلس به خروش آمد و منقلب شد. حضرت لحظاتی سکوت کرد تا همه‌ی مردم خاموش و گریه آنان ساکت شد و جوش و خروش آنها آرام یافت، آنگاه کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز فرمود، و درود بر رسول خدا فرستاد، در اینجا دوباره صدای گریه مردم برخاست، وقتی سکوت برقرار شد، کلام خویش را دنبال کرد و فرمود:

ستایش خداوند، شکر نعمت‌ها، و شهادت بر یگانگی خدا

ستایش سزاوار خدا است برای نعمت‌هایی که عطا فرمود.	الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا أَنْعَمَ
و شکر و سپاس سزاوار اوست برای آنچه الهام فرمود.	وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَىٰ مَا أَلَّهَمَّ
و درودها شایسته اوست برای آنچه از پیش عطا فرمود.	وَالشَّانِءَ بِمَا قَدَّمَ
از نعمت‌های گسترده‌ای که آغاز نمود،	مِنْ عُمُومِ نِعَمٍ ابْتَدَأَهَا
و روزی‌های فراوانی که ارزانی داشت،	و سُبُوحِ آلاءِ أَسَدَاهَا
و عطایای ارزشمندی که پی در پی افزود.	و تَمَامِ مَنَنِ وَالْأَهَا
فراتر از آنکه شمارش شوند،	جَمَّ عَنِ الْإِحْصَاءِ عَدْدُهَا
و ماندگارتر از آنکه قابل بازگشت و جبران باشند.	و نَأَىٰ عَنِ الْجَزَاءِ أَمْدُهَا
و پایانش، فراتر از آنکه قابل ادراک باشد.	و تَفَاوُتَ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبْدُهَا
و برای ازدیاد نعمت‌ها، آنها را به شکر خویش فراخوانده،	و نَدَبَهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا
و برای تکمیل آنها مردم را به ستایش خود دعوت نموده،	و اسْتَحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْزَالِهَا

آلاء: نعمت‌ها، آسندی: بخشید، والا(اولی): بخشید، پی در پی، نَأَى: دور است، اَمْد: غایت و پایان، تَفَاوُت: دور شد، نَدَب: فراخواند، إِجْزَال: زیاد کردن، بخشش فراوان



وَتَتَىٰ بِالنَّدْبِ إِلَىٰ أَهْلِهَا

و برای بدست آوردن امثال آنها، باز هم تشویق فرموده است.

وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

و شهادت می‌دهم که معبودی جز خدای یکتای بی شریک نیست.

كَلِمَةً جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا

سخنی که مصداق خارجی آن را اخلاص قرار داده،

وَضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا

و روح آن را به قلب‌ها پیوند داده،

وَأَنَارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا

و ادراک عقلی آن را به روشنی برای عقول میسر کرده.

الْمُمَّتَنِعَ عَنِ الْأَبْصَارِ رُؤْيَتْهُ

چرا که دیدنش با چشم‌ها غیر ممکن،

وَمِنَ الْأَلْسِنِ صِفَتُهُ

و بیان اوصافش با زبان، محال،

وَمِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ

و درک چگونگی او در پندار، ممتنع است.

هدف از آفرینش

إِبْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا

خداوند اشیاء را تازه آفرید، نه از چیزی که موجود باشد.

وَأَنْشَأَهَا بِلَا احْتِدَاءٍ أَمْثَلَةً امْتَثَلَهَا

و ایجادشان کرد، نه با پیروی و تقلید از چیزی.

كُونَهَا بِقُدْرَتِهِ

و با قدرت خویش هستی بخشید،

تَتَى: دوباره تکرار کرد، ضَمَّنَ: ضمیمه کرد، أَنَارَ: روشن کرد، أُنْشَأَ: ایجاد کرد، إِحْتِدَاءٍ: پیروی کردن، اِقْتِبَاسَ، كَوَّنَ: به وجود آورد



و آنها را تکثیر و پراکنده ساخت، آنچنان
که خواست.

و ذرّاهَا بِمَشِيَّتِهِ

بی آنکه به آفرینش آنها نیازی داشته
باشد،

مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا

یا از صورت بندی آنها سودی برده باشد؛

وَلَا فَايْدَةَ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا

جز آنکه حکمتش را به اثبات رسانده،

إِلَّا تَثْبِيْتًا لِحِكْمَتِهِ

و مردم را به اطاعت خود توجّه داده
باشد،

و تَنْبِيْهًا عَلَى طَاعَتِهِ

و قدرتش را از این دریچه ظاهر نموده،

وَ اِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ

و زمینه پرستش را برای مخلوقاتش فراهم
آورده باشد،

وَ تَعْبُدًا لِبَرِيَّتِهِ

و به دعوت پیامبرانش قوّت بخشیده
باشد.

وَ اِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ

فلسفه ثواب و عقاب

سپس برای اطاعتش پاداش مقرر فرمود،

ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ

و برای معصیتش کیفرها وضع نمود؛

وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَّتِهِ

تا بندگان را از خشم و عذاب انتقام
خود دور کند،

ذِيَادَةَ لِعِبَادِهِ مِنْ نِقْمَتِهِ

ذرّاً: تکثیر و بذریاشی کرد، مَشِيَّت: خواست، تَنْبِيْه: متوجه کردن، ذِيَادَةُ: دور کردن



وَحَيَاةٌ لَهُمْ إِلَىٰ جَنَّتِهِ
و آنها را به سوی بهشت خودش سوق
دهد.

شهادت به رسالت حضرت محمد (ص)

وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
و گواهی می‌دهم که پدرم محمد، بنده و
فرستاده اوست.

إِخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ
او را پیش از آنکه او را بفرستد انتخاب
کرد،

وَسَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ إِجْتَبَاهُ
و پیش از آنکه انتخاب کند نشانه کرد،

وَاصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ يُبْتَعَثَهُ
و پیش از آنکه او را به پیامبری برانگیزد
گزینش کرد.

إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ
در حالی که مخلوقات، هنوز در عالم
غیب پنهان بودند،

وَبِئْسَتْ الْأَهْوِيلُ مَصُونَةٌ
و در پوشش اصلاب و ارحام، محفوظ
بودند،

وَبِنَهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ
و با مرز نیستی همنشین بودند.

عَلَّمَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَىٰ بِمَائِلِ الْأُمُورِ
دلیل انتخاب پیامبر (ص)، علم خداوند
متعال به آینده دوران،

وَإِحَاطَةٌ بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ
و احاطه کامل او به حوادث روزگاران،

وَمَعْرِفَةٌ بِمَوَاقِعِ الْمَقْدُورِ
و شناخت کامل او به مقدرات جهان بود.

حیاشة: سوق دادن، سَمَّا: نشانه کرد، أهوایل: شدید و ترس آور



خداوند پیامبر (ص) را مبعوث فرمود،
برای به انجام رساندن برنامه‌اش،

إِتَّبَعْتَهُ اللَّهُ إِنَّمَا لِأَمْرِهِ

و اراده قطعی بر ابلاغ و اجرای
تصمیمش،

وَعَزِيمَةً عَلَىٰ إِمْرَاءِ حُكْمِهِ

و عملی کردن مقدرات حتمی‌اش.

وَأَنْفَازًا لِمَقَادِيرِ حَتْمِهِ

وضع مردم قبل و بعد از بعثت

او مردم را مشاهده کرد، هر فرقه‌ای دینی
را برگزیده،

فَرَأَى الْأُمَمَ فِرْقًا فِي آدْيَانِهَا

برخی به خلوت نشینی و عبادت در
آتشکده‌اند،

عُكْفَاءَ عَلَىٰ نِيرَانِهَا

برخی مشغول پرستش بت‌های
تراشیده‌اند،

عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا

و با اینکه او را به خوبی می‌شناسند،
خدا را انکار می‌کنند.

مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا

خداوند با نور پدرم محمد، تاریکی‌هایی
که حاکم شده بود را زدود،

فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ ظُلْمَهَا

و پرده‌های ابهام را از قلب آنها کنار زد،

وَكَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا

و تیرگی‌ها را از مقابل چشم‌ها برطرف
ساخت،

وَجَلَّىٰ عَنِ الْأَبْصَارِ غُمَّهَا

عَزِيمَةٌ: اراده قطعی، عُكْفَاءُ (عاکف، عکف): پیوسته درکنار چیزی بودن، نیران (نار): آتش، اَوْثَان (وثن): بُت‌ها، بُهْم: مبهم و پیچیده، جَلَّى: روشن ساخت، غُمَّ (غُمَّه): پوشیده



وَقَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ و در میان مردم به هدایت برخاست.

فَأَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ تا اینکه آنها را از گمراهی و خرافات نجات داد،

وَبَصَّرَهُمْ مِنَ الْعَمَايَةِ و به جای کوردلی، آنها را روشن بین نمود،

وَهَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ و به دین استوار و با قوام هدایت فرمود،

وَدَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ و آنها را به راه راست دعوت نمود.

وفات رسول خدا(ص)

ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ آنگاه خدا روح او را به سوی خویش کشید،

قَبْضَ رَأْفَةٍ وَ اخْتِيَارٍ وَ رَغْبَةٍ وَ اِيْثَارٍ با لطف و محبت، و اختیار و اشتیاق و انتخاب.

فَمُحَمَّدٌ مِّنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ اکنون محمد(ص) از رنج این دنیا راحت شده،

قَدْ حُفَّ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ فرشتگان برتر او را در میان گرفته،

وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْغَفَّارِ و رضوان پروردگار آمرزنده او را در بر گرفته،

وَ مُجَاوَرَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ و در همسایگی فرمانروای چیره جای گرفته است.

صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي نَبِيِّهِ وَ أَمِينِهِ درود خدا بر پدرم، پیامبر(ص) و امین او،

و خَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَ صَفِيَّهِ

و بهترین مردمان و برگزیده او،

وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او.

قرآن میراث پیامبر (ص) در میان امت

ثُمَّ التَّفَتُّ إِلَى أَهْلِ الْمَجْلِسِ وَ
قَالَتْ:

سپس رو به اهل مجلس کرد و فرمود:

أَنْتُمْ عِبَادُ اللَّهِ نُصِبُ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ

شما بندگان خدا، مخاطبان او و امر و
نهی او،

وَ حَمَلَةٌ دِينِهِ وَ وَحْيِهِ

و حاملان دین و وحی او،

وَ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ

و امانت داران خدا نسبت به یکدیگر،

وَ بُلْغَاؤُهُ إِلَى الْأَمَمِ

و رساننده پیام او به امت های دیگر
هستید.

وَ زَعِيمٌ حَقِّ لَهٗ فِيكُمْ

پرچمدار و حافظ حق او در میان
شماست،

وَ عَهْدٌ قَدَّمَهُ إِلَيْكُمْ

و عهدنامه ای که برایتان فرستاده،

وَ بَقِيَّةٌ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ

و یادگاری که بر شما حاکم کرده نزد
شماست.

كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ

کتاب گویای خداوند و قرآن راستگو،

وَ النُّورُ السَّاطِعُ وَ الضِّيَاءُ اللَّامِعُ

نوری تابنده، و روشنایی درخشنده،



بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ مُنْكَشَفَةٌ سَرَائِرُهُ

دلایلش روشن و اسرار باطنی اش هویدا،

مُنْجَلِيَّةٌ ظَوَاهِرُهُ مُعْتَبِطَةٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ

زیبایی هایش جلوه‌کننده، و رهروانش
مورد غبطه،

قَائِدًا إِلَى الرِّضْوَانِ اتِّبَاعُهُ

پیروی اش باعث رسیدن به رضوان الهی
است،

مُؤَدِّ إِلَى النِّجَاةِ اسْتِمَاعُهُ

و شنوندگانش را به راه نجات کشانیده
است.

بِهِ تُنَالُ حُجَجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةُ

از طریق قرآن می‌توان به حجت‌های
روشن خدا رسید،

وَعَزَائِمُهُ الْمُفَسَّرَةُ وَمَحَارِمُهُ
الْمُحَدَّرَةُ

و واجباتی که در آن تشریح شده و
محرماتی که منع شده،

وَبَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ وَبَرَاهِينُهُ الْكَافِيَةُ

و دلایل روشنگرانه و برهان‌های
قانع‌کننده،

وَفَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ وَرُخْصُهُ
الْمَوْهُوبَةُ

و فضائل پسندیده و رخصت‌ها و
مباح‌های مرحمت شده،

وَشَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ

و دستورات و احکامی که واجب شده را
به دست آورد.

بَصَائِرُ (جمع بصیرت): بینش، مُنْكَشَفَةٌ: ظاهر و آشکار، مُنْجَلِيَّةٌ: جلوه‌گر، مُعْتَبِطَةٌ (غبطه): مورد حسرت، أَشْيَاعٌ: پیروان،
مُؤَدِّ: رساننده، تُنَالُ (نیل): رسیدن، عَزَائِمٌ: واجبات، مُحَدَّرَةٌ: منع شده، جَالِيَّةٌ: روشن‌کننده، الْمُنْدُوبَةُ: توصیه شده،
مستحب، رُخْصَةٌ: اجازه داده شده‌ها



اسرار عبادات و احکام دین

خداوند ایمان را مقرر فرمود برای پاکی شما از شرک،	فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ
و نماز را مقرر فرمود برای دوری شما از کبر و خودخواهی،	وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبَرِ
و زکات را برای پاکیزگی نفس و افزایش روزی،	وَالزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَنِمَاءً فِي الرِّزْقِ
و روزه را برای تحکیم اخلاص و پایداری،	وَالصِّيَامَ تَثْبِيثاً لِلْإِخْلَاصِ
و حج را برای شکوه دین و استواری،	وَالْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ
و عدالت را برای پیوند قلب‌ها و همبستگی،	وَالْعَدْلَ تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ
و اطاعت ما خاندان را برای نظم و هماهنگی،	وَطَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ
و امامت ما را، برای ایمنی از تفرقه و فروپاشی،	وَإِمَامَتَنَا أَمَاناً لِلْفُرْقَةِ
و جهاد را برای عزت اسلام و سربلندی،	وَالْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ
و صبر را وسیله‌ای برای شایستگی پاداش الهی،	وَالصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ



و امر به معروف را برای مصلحت عموم مردم،

وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ

و نیکی به پدر و مادر را برای جلوگیری از غضب الهی،

وَبِرِّ الْوَالِدَيْنِ وِقَايَةً مِنَ السَّخَطِ

و صلۀ رحم را برای افزایش جمعیت و عمر طولانی،

وَصِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنْسَاءً فِي الْعُمُرِ وَ
مَنْمَاءً لِلْعَدَدِ

و قصاص را برای حفظ جان و پیشگیری از خونریزی،

وَالْقِصَاصَ حَقْنًا لِلدِّمَاءِ

و وفای به نذر را برای کسب آمرزش الهی،

وَالْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِيزًا لِلْمَغْفِرَةِ

و کامل دادن پیمانه و وزن را برای تغییر روحیه کم فروشی،

و تَوْفِيَةَ الْمَكَائِلِ وَالْمَوَازِينَ تَغْيِيرًا
لِلْبَخْسِ

و نهی از شرابخواری را برای دوری از پلیدی،

وَالنَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهاً عَنِ
الرَّجْسِ

و پرهیز از تهمت را برای دوری از لعنت خداوندی،

و اجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَاباً عَنِ اللَّعْنَةِ

و ترک دزدی را الزامی برای مصونیت از لغزش قرار داد.

و تَرَكَ السَّرِقَةَ اِجْبَاباً لِلْعِصْمَةِ

و خدا شرک را حرام فرمود برای خلوص نسبت به او در ربوبیت،

و حَرَّمَ اللَّهُ الشِّرْكَ اِخْلَاصاً لَهُ
بِالرُّبُوبِيَّةِ

وقایه: محافظت در برابر، مَنْسَاءً: باعث طولانی شدن، مَنْمَاءً: وسیله رشد و نمو، حِقْنٌ: پاسداری، حَفْظٌ، قَذْفٌ: تهمت زنا



«پس تقوا پیشه کنید، آنگونه که
شایسته مقام اوست،

«فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ»

و از دنیا نروید، جز آنکه تسلیم امر خدا
باشید.» (آل عمران/۱۰۲)

وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»

و خدا را در آنچه به آن امر و نهی
شده اید اطاعت نمایید،

وَاطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ
نَهَاكُمْ عَنْهُ

چرا که «از میان بندگان خداوند،
تنها عالمان در برابر عظمت خدا
متواضعند.» (فاطر/۲۸)

فَإِنَّهُ «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ
الْعُلَمَاءُ»

معرفی خود و خدمات پیامبر(ص)

آنگاه فرمود: ای مردم!

ثُمَّ قَالَتْ: أَيُّهَا النَّاسُ!

همه بدانید، من فاطمه‌ام و پدرم محمد
است.

إِعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةٌ وَأَبِي مُحَمَّدٌ

دوباره هم می‌گویم، چنانکه در ابتدا هم
بیان نمودم،

أَقُولُ عَوْدًا وَبَدَأً

و آنچه را می‌گویم اشتباه نمی‌گویم،

وَلَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا

و در آنچه می‌کنم راه خطا نمی‌پویم.

وَلَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا

«همانا برای شما، پیامبری از میان
خودتان آمد،

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ



که رنج و محنت شما بر او دشوار، و بر
نجات شما مشتاق،

عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ

و بر مؤمنان، رئوف و مهربان است.»
(توبه/۱۲۸)

بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ

و اگر خاندان و نسب او را جویا شوید و
او را بشناسید،

فَإِنْ تَعَرَّوْهُ وَتَعَرَّفُوهُ

می یابید که او پدر من است، نه پدر زنان
شما،

تَجِدُوهُ أَبَى دُونَ نِسَائِكُمْ

و برادر پسر عموی من است، نه برادر
مردان شما.

وَ أَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ

و چه افتخار و نیکو نسبتی است،
نسبت با او.

وَلِنِعْمِ الْمَعْرِضِيُّ إِلَيْهِ

او وظیفهٔ ابلاغ رسالتش را به خوبی انجام
داد،

فَبَلَّغَ الرِّسَالَةَ

آشکارا هشدار می داد،

صَادِعًا بِالنَّذَارَةِ

از راه و رسم مشرکین رو می گرداند،

مَائِلًا عَنِ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ

با نواختن بر شانه‌ها، مردم را به پیش
می راند،

ضَارِبًا بِأَثْبَاجِهِمْ

و از مقابل، آنها را می کشید.

أَخِذًا بِأَكْظَامِهِمْ

عَنِتُّمْ: به رنج و زحمت انداخته شما را، تَعَرَّوْهُ: نَسَب او را یاد کنی، الْمَعْرِضِيُّ إِلَيْهِ: منسوب به او، صَادِعًا: آشکار کننده، مَائِلًا
عَنِ: رویگردان از، مَدْرَجَةِ: راه و روش، ثَبَاج: پشت شانه، أَكْظَام: گریبان‌ها

داعياً إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ
الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ
و با حکمت و اندرز نیکو به سوی
پروردگار خود فرامی خواند.

يَكْسِرُ الْأَصْنَامَ
بت های سنگی و گلی رامی شکاند،

وَيَنْكُثُ الْهَامَ
و اشراف و سران مشرک و متکبر را سر
می کوباند،

حَتَّىٰ انْهَزَمَ الْجَمْعُ وَوَلُوا الدُّبُرَ
تا اینکه جمع آنها شکست خورد و رو به
عقب گریختند،

وَتَفَرَّى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ
و صبح ایمان، تاریکی کفر را شکافت و
سر برآورد،

وَأَسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ
و حقیقت ناب به جلوه درآمد،

وَنَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ
و زمامدار دین به سخن آمد،

وَخَرَسَتْ شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ
و فریادهای شیاطین خاموش گشت،

وَطَاحَ وَشَيْطُ النَّفَاقِ
و دورویی و فرومایگی اهل نفاق
فرونشست،

وَأَنْحَلَّتْ عُقْدُ الْكُفْرِ وَالشَّقَاقِ
و همبستگی های کفر و دشمنی و
اختلاف به پایان آمد،

وَفُهِتُمْ بِكَلِمَةِ الْإِحْلَاصِ
و زبان به گفتن لا اله الا الله گشودید،

فِي نَفَرٍ مِنَ الْبَيْضِ الْخِمَاصِ
و با نفراتی رنگ پریده و شکم خالی
هم زبان شدید.

أَصْنَامٌ: بت ها، يَنْكُثُ: سرکوب کردن، هَامٌ: بزرگان، انْهَزَمَ: شکست خورد، تَفَرَّى: کنار زد، أَشْفَرُ: آشکار شد، مَحْضٌ: خالص، خَرَسَتْ: ساکت شد، شَقَاشِقُ: عُرْشٌ، طَاحَ: فرونشست، وَشَيْطُ: فرومایه انْحَلَّتْ: گشوده شد، فُهِتُمْ: گویا شدید، خِمَاصٌ: با شکم خالی

حقارت مردم قبل از اسلام

و اما پیش از این بر لب پرتگاهی از آتش
بودید، وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ

همچون جرعه‌ای برای آنها که دنبال
نوشیدن‌اند، مُدَقَّةَ الشَّارِبِ

و فرصتی برای آنها که در طمع شکارند،
و نُهْزَةَ الطَّامِعِ

و پاره آتشی برای آنها که دنبال ربودن
آتش‌اند. وَقَبْسَةَ الْعِجْلَانِ

و لگدکوب هر رونده،
و مَوْطِيءِ الْأَقْدَامِ

نوشنده آبهای آلوده و گندیده،
تَشْرِبُونَ الطَّرِقَ

و خورنده گوشت‌های خشکیده،
و تَقْتَاتُونَ الْقِدَّ

و خوار و حقیر و رانده بودید.
أَذِلَّةً خَاسِئِينَ

و پیوسته از اینکه مردمان غارتگر شما را
بربایند می‌ترسیدید. تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ
حَوْلِكُمْ

تا اینکه خدای تعالی شما را به وسیله
محمد(ص) نجات داد، فَاَنْقَذَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى
بِمُحَمَّدٍ

البته بعد از آن همه خواری و ناتوانی،
بَعْدَ اللَّتْيَا وَالَّتِي

و بعد از درگیری با مردان بی باک و بی پروا،
و بَعْدَ أَنْ مَنِىٰ بِهِمِ الرَّجَالِ

مُدَقَّةً: شیر رقیق شده با آب، نُهْزَةُ: فرصت، شکار، قَبْسَةُ: هیزم نیم سوخته، مَوْطِيءِ: لگدکوب، تَقْتَاتُونَ(قوت): غذای خود
قرار می‌دهید، أَذِلَّةً(ذلیل): خوار و زبون، خَاسِئِينَ(خاس): سرافکننده و مطرود، يَتَخَطَّفَكُمُ(خطف): ربودن، مَنِىٰ: گرفتار شد

و دُؤْبَانِ الْعَرَبِ و دزدان بدبخت عرب،

و مَرَدَّةِ أَهْلِ الْكِتَابِ و متمردين نافرمان یهود و نصارا.

علی (ع) و فداکاری های او

كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ هر زمان آتش جنگی افروخته می شد،

أَطْفَأَهَا اللَّهُ خداوند آن را خاموش می کرد.

أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ و یا هرگاه شاخ شیطان سر برمی آورد،

أَوْ فَعَرَّتْ فَاغِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ و یا فتنه ای از سوی مشرکین دهان می گشود،

قَذَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا پیامبر (ص)، برادرش علی را در دهان معرکه می انداخت،

فَلَا يَنْكَفِي و او دست بردار نبود، و سر از پا نمی شناخت،

حَتَّى يَطَّأَ صِمَاخَهَا بِأَخْمَصِهِ تا گوش آنان را کف پایش می گذاشت،

و يُخِمِدَ لَهَا بِسَيْفِهِ و آتش فتنه را با آب شمشیرش خاموش می ساخت.

مَكْدُوداً فِي ذَاتِ اللَّهِ در راه خدا بسیار سختی کشیده،

مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّهِ در امر خدا بسیار کوشیده،

دُؤْبَان: دزدان و فرومايگان، مَرَدَّة (مارد): افراد سرکش، أَوْقَدُوا: آتش افروختند، نَجَمَ: پیدا شد، سر برآورد، فَعَرَّتْ: دهان باز کرد، قَذَفَ: انداخت، لَهَوَات: گلو، عمق دهان، لَا يَنْكَفِي: برنی گشت، يَطَّأُ: زیر پا گذاشت، صِمَاخ: سوراخ گوش، أَخْمَص: فرورفتگی کف پا، يُخِمِدُ: خاموش می کرد



مجاور و نزدیک به رسول خدا، قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ

سید و سالار و سروری از اولیاء خدا، سَيِّدًا فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ

آستین بالا و آماده، خیرخواه، پرتلاش و کوشنده، مُشِيرًا نَاصِحًا مُجِدًّا كَادِحًا

و در راه خدا بی اعتنا به سرزنش‌ها و ملامت‌ها بود. لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَآئِمٍ

سرزنش رفاه‌طلبان و فتنه‌گران

اما شما در رفاه و آسایش زندگی آرمیده، وَأَنْتُمْ فِي رِفَاهِيَّةٍ مِنَ الْعَيْشِ

در شادمانی و امنیت با خیال آسوده لم داده، وَادْعُونَ فَاكِهِونَ آمِنُونَ

در انتظار دگرگونی روزگار و حوادث ناگوار برای ما نشسته، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَابِرَ

و گوش به زنگ اخبار بد درباره ما هستید، وَتَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ

و در هنگامه کارزار، عقب‌نشینی می‌کنید، وَتَنْكُصُونَ عِنْدَ النَّزَالِ

و از جنگ و جهاد فرار می‌کنید. وَتَفِرُّونَ مِنَ الْقِتَالِ

وَادْعُونَ: آسوده، فَاكِهِونَ: شادمان، تَتَرَبَّصُونَ: در انتظار بسر می‌برید، دَوَابِرَ: دگرگونی روزگار، تَتَوَكَّفُونَ: چشم به راه داشتید، تَنْكُصُونَ: عقب‌نشینی کردن، نِزَالِ: رویارویی در جنگ

ظاهر شدن چهره نفاق پس از رحلت پیامبر (ص)

اما زمانی که خداوند، برای پیامبرش سرای ابدی پیامبرانش را اختیار کرد،	فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ
و آرامگاه همیشگی برگزیدگانش را برای او برگزید،	وَمَا أَوْىٰ أَصْفِيَائِهِ
کینه‌های درونی و علائم دورویی شما ظاهر گردید،	ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةُ النِّفَاقِ
و جامه دین پوشید	وَسَمَلَ جِلْبَابُ الدِّينِ
و گمراهانِ خشم فرو برده به نطق آمدند،	وَنَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ
و فرومایگان بی نام و نشان سر بر آوردند و جلو آمدند،	وَنَبَغَ خَامِلُ الْأَقْلِينَ
و نعره اهل باطل همچون شتر مست نازپرورده به غرش آمد،	وَهَدَرَ فَنِيقُ الْمُبْطِلِينَ
و در صحنه اجتماع شما به حرکت درآمد،	فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ
و شیطان سرش را از مخفی گاهش بیرون کرد،	وَاطَّلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ
و شما را به سوی خود دعوت کرد،	هَاتِفًا بِكُمْ
و شما را آماده پذیرش دعوتش یافت،	فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ

حَسَكَةُ: کینه و دشمنی، سَمَلَ: پوشید، غَاوِينَ: گمراهان، هَدَرَ: غرغر شتر، فَنِيقُ: نازپرورده شتر، خَطَرَ: جولان دادن، عَرَصات: فضاهای باز، اَطَّلَعَ: سربرآورد، مَغْرَزُ: مخفیگاه

وَلِلْغَرَّةِ فِيهِ مُمْلِحِينَ و شما را برای فریب خوردن آماده دید.

ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ آنگاه به تحریک شما برای قیام پرداخت،

فَوَجَدَكُمْ خِفَافًا و شما را سبکبار و آماده تحریک یافت،

وَ اَحْمَشَكُمْ و شعله‌های خشم و کینه را در درون شما روشن کرد،

فَالْفَاكُمُ غَضَابًا و آثار غضب را در شما نمایان دید.

غصب خلافت

فَوَسَّمْتُمْ غَيْرَ اَيْلِكُمْ به شتری که از آن شما نبود، علامت نهادید،

وَوَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرَبِكُمْ هَذَا و به آبشخوری که حق شما نبود وارد شدید. (و به غصب حکومت پرداختید)

وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ و هنوز از رحلت پیامبر (ص) چیزی نگذشته بود،

وَالكَلْمُ رَحِيبٌ و زخم این مصیبت هنوز عمیق و باز بود،

وَالْجَرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ و جراحات قلبی ما التیام نیافته بود،

وَالرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ و هنوز پیامبر (ص) به خاک سپرده نشده بود،

اِبْتِدَارًا شتاب زده (در تعیین خلیفه) هرچه خواستید کردید.

غَرَّةٌ: فریب و نیزنگ، اسْتَنْهَضَ: تحریک کرد، خِفَافٌ: سبکبار، اِحْمَشَ: به خشم آورد، وَسَّمٌ: داغ کرد و نشان زد، كَلْمٌ: زخم، رَحِيبٌ: باز، لَمَّا يَنْدَمِلُ: بهبود نیافته بود

ظاهراً نگران هجوم فتنه‌ها بودید (فتنه‌ها را بهانه کردید)

زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ

«بدانید که خود در فتنه فرو افتادند،

«الَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا

و جهنم برکافران احاطه دارد.»
(توبه/۴۹)

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ»

هیئات، از شما چنین انتظاری نبود!

فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ

شما را چه شده؟ و چه می‌کنید؟

وَكَيفَ بِكُمْ

کجا؟ و چرا کج‌راهه می‌روید؟

وَإِنِّي تُؤْفِكُونَ

با اینکه کتاب خدا پیش روی شماست،

وَكِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ

مطالبش نمایان، و احکامش درخشان،

أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ وَأَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ

و نشانه‌های هدایتش تابان،

وَأَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ

و منهیات آن پیدا و اوامرش هویداست.

وَزَوَاجِرُهُ لَاحِظَةٌ وَأَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ

اما شما آن را پشت سر انداختید!

وَقَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ

به راستی قصد دوری از آن را دارید؟

أَرَعَبْتَهُ عَنْهُ تُرِيدُونَ؟

و به غیر آن حکم می‌کنید؟

أَمْ بِغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ

چه بد است برای ظالمان، آنچه به جای قرآن انتخاب کردند.

بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا



«وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا

«و هرکس غیر از اسلام، راه و رسمی
انتخاب کند،

فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ

قطعاً پذیرفته نخواهد بود،

وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»

و در آخرت در گروه زیانکاران خواهد
بود.» (آل عمران/۸۵)

آری، شما سوار بر ناقه خلافت شدید

ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَّا رَيْثًا أَنْ تَسْكُنَ
نَفْرَتُهَا

آنگاه درنگ نکردید، مگر به اندازه‌ای که
مرکب خلافت رام شود،

وَيَسْلَسَ قِيَادُهَا

و مهار آن و تسلط بر اوضاع آسان شود،

ثُمَّ أَخَذْتُمْ ثُورُونَ وَقَدَّتْهَا

دوباره آتش فتنه‌ها را برافروختید،

وَتَهَيَّجُونَ جَمْرَتَهَا

و شعله‌ها و شراره‌های آن را پیوسته
تحریک کردید،

وَتَسْتَجِيبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ
الْغَوِيِّ

و همواره دعوت شیطان فریبکار را
اجابت می‌کنید،

وَإِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ

و به خاموش کردن جلوه‌های انوار دین
خدا می‌پردازید،

وَإِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ

و در عمل به سنت‌های پیامبر (ص)
برگزیده اهمال می‌کنید،

ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا (البث): درنگ نکردید، رَيْثًا: درنگ، مقداری از زمان، نَفْرَتٌ (نَفَرٌ): رم کردن، يَسْلَسُ: آسان و فرمانبردار شود، قِيَادُ: افسار و لگام، ثُورُونَ: آتش می‌افروزید، وَقَدَّتْ: آتش زنه، جَمْرَةٌ: شراره، اخگر، هِتَافٌ (هَاتِفٌ): ندا، غَوِيٌّ: فریبکار



و یواشکی کاسه شیر را تا آخر سر
می کشید، به این بهانه که می خواهید
کف روی شیر را بگیرید.

تُسِرُونَ حَسَوًا فِي ارْتِغَاءٍ

و برعلیه خانواده و فرزندان پیامبر (ص)
قدم برمی دارید،

وَتَمْسُونَ لِأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ

آرام و مخفیانه، از پشت نهانگاه‌ها،
تپه‌ها و انبوه درختان.

فِي الْخَمْرِ وَالضَّرَاءِ

و باید تحمل کنیم، آنچه از شما بر ماست،

وَنَصِيرُ مِنْكُمْ

که همانند زخم دشنه بر حنجره‌هاست،

عَلَى مِثْلِ حَزِّ الْمُدَى

و سوزش هنگام فرو رفتن نیزه در
دل‌هاست.

وَوَحْزِ السِّنَانِ فِي الْحَشَا

دادخواهی درباره غصب فدک در برابر ابوبکر

و اکنون گمان می‌کنید که ارثی برای ما
نیست،

وَأَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَنْ لَأِثْرَ لَنَا

«آیا همان سنت جاهلی را دنبال
می‌کنید؟»

«أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ تَبْعُونَ

و چه حکمی از حکم خدا برای اهل
یقین بهتر است؟» (مائده/۵۰)

وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ
يُوقِنُونَ»

آیا شما این مسائل را نمی‌دانید؟ البته که
می‌دانید!

أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟ بَلَى

تُسِرُونَ: یواشکی، پنهانی انجام می‌دهید، حَسَوًا: سرکشیدن، ارْتِغَاءٍ (رغوة): کف روی شیر را خوردن، حَزِّ بریدن، مُدَى: دشنه‌ها، وَوَحْزِ السِّنَانِ: سوزش فرورفتن نیش نیزه، حَشَا: دل و روده، تَبْعُونَ: خواستن (به ناحق)



قَدْ تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ
أَنِّي ابْنَتُهُ

و همانند آفتاب درخشنده برایتان
هویدا است که من دختر پیامبر (ص)
هستم.

أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! أَأَغْلَبُ عَلَى إِرْثِي؟

ای مسلمانان! سزاوار است ارث من به
زور از من گرفته شود؟

يَا بَنَ أَبِي قُحَافَةَ! أَيْ فِي كِتَابِ اللَّهِ

ای پسر ابي قحافه، آیا این در کتاب خدا
نوشته شده،

أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَلَا أَرِثَ أَبِي؟

که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم
ارثی نداشته باشم؟

لَقَدْ جِئْتُ شَيْئًا فَرِيًّا

چه سخن عجیب و بی سابقه‌ای به هم
بافته‌اید!

أَفَعَلَى عَمَدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ

آیا عمداً کتاب خدا را ترک کرده‌اید،

وَنَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ

و آن را پشت سر انداخته‌اید؟

إِذْ يَقُولُ: «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ»

قرآن می‌گوید: «سلیمان از داود ارث بُرد»
(نمل/۱۶)

وَقَالَ فِيمَا اقْتَصَّ مِنْ خَبَرِ زَكْرِيَّا

و در داستان زکریا نیز چنین است،

إِذْ قَالَ: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا

آنجا که فرمود: «پروردگارا، مرا فرزندی
عنایت فرما

يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»

تا از من و از خاندان یعقوب ارث ببرد.»
(مریم/۵-۶)

الضَّاحِيَّةُ: درخشنده، شَيْئًا فَرِيًّا: چیز عجیب و نادرستی که به هم بافته باشند



و در کتاب خدا فرمود: «و خویشاوندان
رحمی،

وَقَالَ: «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ

در ارث بعضی بر بعض دیگر
سزاوارترند.» (انفال/۷۵)

بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ»

و فرمود: «خدا شما را به ارث فرزندان
سفارش می کند

وَقَالَ: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ

که پسر دو برابر دختر بهره می برد.»
(نساء/۱۱)

لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَّيْنَ»

و فرمود: «اگر مالی باقی بماند،

وَقَالَ: «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا

به شایستگی برای پدران و مادران و
خویشان وصیت شود،

الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ
بِالْمَعْرُوفِ

که این حقی است بر عهده پرهیزگاران.»
(بقره/۱۸۰)

حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ»

و شما چنین گمان بردید که برای من
بهره ای نیست،

وَزَعَمْتُمْ أَنَّ لَا حُظُوتَ لِي

و سهمی از ارث پدرم برای من نیست،

وَلَا أَرِثُ مِنْ أَبِي

و نسبت خویشاوندی بین ما نیست!

وَلَا رَحِمَ بَيْنَنَا

آیا خداوند آیه ای را مختص به شما نازل
کرده،

أَفَخَصَّكُمُ اللَّهُ بِآيَةٍ

و پدرم را از حکم آن خارج کرده؟

أَخْرَجَ أَبِي مِنْهَا؟



یا اینکه می‌گویید: پیروان دو مذهب از یکدیگر ارث نمی‌برند؟

أَمْ هَلْ تَقُولُونَ: إِنَّ أَهْلَ الْمِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؟

آیا من و پدرم از یک دین و مذهب نیستیم؟

أَوَلَسْتُ أَنَا وَآبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟

آیا شما به عام و خاص قرآن از پدر و پسر عمومی من داناترید؟

أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَابْنِ عَمِّي؟

عذاب قیامت برای غاصبان

حالاً که چنین است، بگیر (ارث من از آن تو)

فَدُونَكهَا

همچون شتری مهارزده و آماده استفاده است!

مَخْطُومَةٌ مَرْحُولَةٌ

اما روزی که از خاک برخیزی، تو را ملاقات می‌کند،

تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ

و چه نیکو داوری است در آن روز خداوند،

فَنِعْمَ الْحَكَمُ لِلَّهِ

و چه نیکو پیشوایی است محمد (ص)،

وَالزَّعِيمُ مُحَمَّدٌ

و چه نیکو وعده‌گاهی است قیامت.

وَالْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ

و در آن زمان، اهل باطل همگی زیان‌کار باشند،

وَعِنْدَ السَّاعَةِ يَحْسَرُ الْمُبْطِلُونَ

و پیشمانی در آن زمان فایده‌ای ندارد.

وَلَا يَنْفَعُكُمْ إِذًا تَنْدَمُونَ

مَخْطُومَةٌ: لجام زده، مهار شده، مَرْحُولَةٌ: زین‌کرده و آماده حرکت (به زین شتر رحل می‌گویند)



«وهر خبری که خدا داده زمان وقوعی دارد،

«وَلِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ»

و به زودی خواهید فهمید» (انعام/۶۷)

«وَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ»

«که عذاب خوارکننده بر چه کسی فرود آید،

«مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ»

و عذاب جاودانه بر چه کسی روا باشد.» (زمر/۳۹)

«وَيَجِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ»

سرزنش انصار، به خاطر سکوت و کوتاهی ایشان

آنگاه به سوی انصار نظر کرد و فرمود:

ثُمَّ رَمَتْ بِطَرْفِهَا نَحْوَ الْأَنْصَارِ
فَقَالَتْ:

ای بزرگان و سروران امت،

يَا مَعْشَرَ النَّقِيبَةِ

و ای بازوان و حامیان ملت،

وَأَعْضَادَ الْمِلَّةِ

و ای پاسداران و حافظان اسلام!

وَ حَضَنَةَ الْإِسْلَامِ!

این چه قصور و کوتاهی است در حق من؟

مَا هَذِهِ الْعَمِيزَةُ فِي حَقِّي

و این چه تسامحی است، نسبت به دادخواهی من؟

وَالسِّنَّةُ عَنِ ظِلَامَتِي؟

آیا پدرم رسول خدا نمی فرمود:

أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ أَبِي يَقُولُ:

احترام هرکس در احترام به فرزندانش باقیست؟

الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ



سَرَّعَانَ مَا أَحَدَّثْتُمْ چه سریع، اوضاع را دگرگون کردید،

وَعَجَلَانَ ذَا إِهَالَةٍ و چه زود به آنچه زمانش نرسیده بود
اقدام کردید،

وَلَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوِلُ با اینکه شما توان آنچه را دنبال آن
هستم دارید،

وَقُوَّةٌ عَلَى مَا أَطْلُبُ وَأَزَاوِلُ و قدرت حمایت از خواسته و هدف مرا
دارید.

أَتَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ؟ آیا می‌گویید: دیگر محمد مرده و همه
چیز تمام شده؟

فَخَطْبُ جَلِيلٍ آری، مصیبتی بس بزرگ رخ داده،

إِسْتَوْسَعَ وَهْنُهُ ضعف و سستی حاصل از آن مصیبت
فراگیر شده،

وَاسْتَنْهَرَ فَتْقُهُ و شکاف ایجاد شده، دامنه دار و بازتر
شده،

وَأَنْفَتَقَ رَنْقُهُ و همبستگی ملت به گسستگی تبدیل
شده،

وَأُظْلِمَتِ الْأَرْضُ لِغَيْبَتِهِ و در غیبت پیامبر (ص)، تاریکی
همه جا را فرا گرفته،

وَكُسِفَتِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ و خورشید و ماه گرفته و کم فروغ شده،

وَأَنْتَثَرَتِ النُّجُومُ لِمُصِيبَتِهِ و ستارگان در مصیبت او پراکنده گشته،

إِنْفَتَقَ: پاره شده، رَنْقُ: همبستگی، به هم دوختن، اِنْتَثَرَتِ: پراکنده شد



و آرزوها به نومییدی گراییده،	وَ أَكْذَتِ الْأَمَالَ
و کوهها سر فرود آورده،	وَ خَشَعَتِ الْجِبَالَ
و حریمها ضایع و بی اعتبار شده،	وَ أَضْيَعِ الْحَرِيمُ
و با رفتن او دیگر حرمتی باقی نمانده است.	وَ أَزِيلَتِ الْحُرْمَةَ عِنْدَ مَمَاتِهِ
به خدا سوگند که این است همان فاجعه کبیره،	فَتِلْكَ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى
و همان مصیبت عظیمه، که به مانند آن نازل نشده،	وَ الْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى، لَا مِثْلَهَا نَازِلَةٌ
و بلای جانگدازی در این سرا به پای آن نرسیده است.	وَ لَا بَائِقَةً عَاجِلَةً
و البته کتاب خدای جلیل قبلاً از آن خبر داده؛	أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ
کتابی که در محضر شماست و هر صبح و شام می خوانید،	فِي أَفْنِيَّتِكُمْ وَ فِي مُمْسَاكِكُمْ وَ مُصْبِحِكُمْ
و با صدای بلند و رسا قرائت می کنید،	يَهْتَفُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ هُتَافًا وَ صُرَاخًا
یا بالحن خوش تلاوت می نمایید،	وَ تِلَاوَةً وَ أَلْحَانًا
و البته پیش از او نیز برای دیگر انبیای خدا اتفاق افتاده،	وَ لَقَبْلَهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ
حکمی است حتمی و قضائی است قطعی.	حُكْمٌ فَضْلٌ وَ قَضَاءٌ حَتْمٌ



و آنچه در کتاب خداست، این است

«وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ
محمد، تنها فرستاده خداست،

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ
که پیش از وی پیامبران دیگری نیز
بوده‌اند،

أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى
اَعْقَابِكُمْ
اگر بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب
برمی‌گردید؟

وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ
اللَّهَ شَيْئًا
البته هرکس به عقب برگردد، کوچکترین
زیانی به خدا نمی‌رساند،

وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ
و خدا به زودی شاکران را پاداش
می‌دهد. (آل عمران/۱۴۶)



حضرت دوباره به انصار خطاب فرمود: چرا حمایت نمی‌کنید؟

إِيهَا بَنِي قَيْلَةَ!
هان عجبها! ای فرزندان قیله و گروه
انصار!

أَيَا حَقِّ مَنْ أَمْرًا يَدْرِمُ ظَالِمَانَهُ مِنْ
گرفته می‌شود

وَأَنْتُمْ بِمَرَأَىٰ مِنِّي وَمَسْمَعٍ
در حالی که شما می‌بینید و می‌شنوید؟

وَمُنْتَدَىٰ وَمَجْمَعٍ
و در جلسات و مجامع مخاطب
هستید؟

تَلَبَّسُكُمُ الدَّعْوَةُ
دعوت من شما را فرا می‌گیرد،

و تَشْمَلُكُمْ الْخَبْرَةُ	و خبرها فراگیر است،
وَأَنْتُمْ ذُوو الْعَدَدِ وَالْعُدَّةِ	و نفرات و آمادگی کامل دارید،
وَالْأَدَاةِ وَالْقُوَّةِ	و ابزار و نیروی کافی در اختیارتان هست،
وَعِنْدَكُمْ السِّلَاحُ وَالْجُنَّةُ	و سلاح جنگی و سپر هم دارید،
تُؤَافِيكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ	اما با اینکه به حد کفایت، صدای دعوت به شما می‌رسد، اجابت نمی‌کنید،
وَتَأْتِيكُمْ الصَّرَخَةُ فَلَا تُغِيثُونَ	و فریاد استغاثه به گوشتان می‌رسد و فریادرسی نمی‌کنید.
وَأَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكِفَاجِ	به جنگ‌آوری و بی‌باکی زبانزدید،
مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَالصَّلَاحِ	و به اهل خیر و صلاح معروفید،
وَالنُّخْبَةُ الَّتِي انْتُخِبَتْ	و برجستگانی هستید که انتخاب شده‌اید،
وَالْخَيْرَةُ الَّتِي اخْتِيرَتْ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ	و اهل خیری هستید که برای ما اهل بیت برگزیده شده‌اید،
قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ	با جماعت عرب پیکار کردید،
وَتَحَمَلْتُمُ الْكَدَّ وَالتَّعَبَ	و متحمل رنج و خستگی زیادی شدید،
وَنَاطَحْتُمُ الْأَمَمَ	و با گردنکشان اقوام شاخ به شاخ شدید،

وَكَافَحْتُمُ الْبُهَمَ

و پنجه در پنجه حریفان سرسخت
انداختید.

لَا نَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ

تا بود اینگونه بود که باهم حرکت
می کردیم،

نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمُرُونَ

ما فرمان می دادیم و شما فرمان می بردید،

حَتَّىٰ إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الْإِسْلَامِ

تا اینکه آسیای اسلام با محوریت ما به
گردش درآمد و چرخید،

وَدَّرَّ حَلَبُ الْأَيَّامِ

و شیر پستان روزگار و خیر و برکت به
فراوانی رسید،

وَ خَضَعَتْ نَعْرَةَ الشِّرْكِ

و نعره های نخوت آمیز شرک، کم کم به
سردی گرایید،

وَسَكَتَتْ فَوْرَةُ الْإِفْكِ

و فوران دروغ و تهمت فروکشید،

وَ خَمَدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ

و آتش کفر به خاموشی گرایید،

وَهَدَّاتُ دَعْوَةَ الْهَرَجِ

و دعوت به هرج و مرج و آشوب کم کم
بیارامید،

وَ اسْتَوَسَّقَ نِظَامُ الدِّينِ

و نظام دین انسجام یافت و به سر و
سامان رسید.

فَأَنَّى حُرْتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ

چه شد که بعد از روشن شدن حق
چنین حیرانید؟



دَارَتْ بِنَا: به چرخش درآمد، بر محور ما، رَحَى: سنگ آسیاب، دَرَّرَ: فراوان شد، هَدَّاتُ: ساکت شد، اسْتَوَسَّقَ: انسجام یافت، حُرْتُمْ: حیران شدید، حِرْمٌ: روبرگرداندید

و پس از آشکار شدن، حقیقت را پوشیده می‌دارید؟

وَأَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ

و بعد از پیشقدمی، عقب‌نشینی کردید؟

وَنَكَصْتُمْ بَعْدَ الْأَقْدَامِ

و بعد از ایمان، راه شرک در پیش گرفتید؟

وَأَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ؟

بدا به حال مردمی که بعد از اینکه پیمان بستند سوگندهایشان را شکستند،

بُؤْسًا لِّقَوْمٍ «نَكثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ»

و در بیرون راندن پیامبر (ص) اهتمام کردند،

وَهُمُومًا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ

و نخستین بار، پیکار را آنان شروع نمودند.

وَهُمْ بَدَؤُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ

آیا از آنها می‌ترسید؟ (چرا با آنها مبارزه نمی‌کنید)

أَتَخْشَوْنَهُمْ

در حالی که سزاوارتر است که از خدا بترسید، اگر اهل ایمانید.» (توبه/۱۳)

فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

آگاه باشید، من چنین می‌بینم که شما در راحت طلبی زمین‌گیر شده‌اید.

الْأَوْ قَدْ أَرَىٰ أَنْ قَدْ أَخَلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ

و دور کردید کسی را که سزاوارترین است

وَأَبَعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ

به کم و زیاد کردن، و دخل و تصرف و تدبیر امور،

بِالْبَسْطِ وَالْقَبْضِ

وَخَلَوْتُمْ بِالذَّعَةِ

و در گوشه فراغت به آرامش روی آورده‌اید،

وَ نَجَوْتُمْ بِالضِّيقِ مِنَ السَّعَةِ

و خود را از فقر و تنگنا، به گشایش رسانده‌اید.

فَمَجَّجْتُمْ مَا وَعَيْتُمْ

نتیجه آنکه، بیرون انداختید آنچه را فراگرفته بودید،

وَ دَسَعْتُمْ الَّذِي تَسَوَّغْتُمْ

و بالا آوردید آنچه را به گوارایی فروبرده بودید.

«فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً

«پس اگر شما و هرکس در روی زمین است کافر شود،

فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ»

خدا از همگان بی‌نیاز و ستودنی است.» (ابراهیم/۸)

أَلَا وَقَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ هَذَا

آگاه باشید، آنچه لازم بود بگویم را گفتم،

عَلَى مَعْرِفَةٍ مِنِّي بِالْخِذْلَةِ الَّتِي خَامَرْتُكُمْ

با اینکه شما را می‌شناسم و می‌دانم که یاری نکردن، آمیخته با سرشت شماست،

وَالْغَدْرَةَ الَّتِي اسْتَشَعَرْتَهَا قُلُوبُكُمْ

تنها گذاشتن و وفا نکردن، فراگیر قلوب شماست.

وَلَكِنَّهَا فَيْضَةُ النَّفْسِ

ولی این شکوه‌ها سرریز اندوه و نگرانی‌های متراکم بود،

ذَعَّة: فراغت، مَجَّجْتُمْ (مَجَّ): بیرون انداختن از دهان، وَعَيْتُمْ (وعاء): در خود جای دادید، دَسَعْتُمْ: قی کردید، تَسَوَّغْتُمْ (ساع): به آسانی فروبردن، خَامَرْتُكُمْ: با شما آمیخته شده، غَدْرَة: پیمان شکنی، اسْتَشَعَرْتُ: پوشانیده است، فَيْض: سرریز شدن



وَأَهْ دَلِي خَشْمِغِينِ وَبِرَافِرُوخْتِه، وَنَفْثَةُ الْغَيْظِ

وَسَسْتِي وَنَاتَوَانِي حَامِيَانِي بَرَاي تَكِيه، وَخَوْرُ الْقَنَاةِ

وَبِرُوزِ غَصَّه‌هَي اِنْبَاشْتِه وَنَهْفْتِه دَر سِينِه، وَبَثَّةُ الصَّدْرِ

وَإِتْمَامِ حِجَّتِي بَرَاي هَمِه. وَتَقْدِيمَةُ الْحُجَّةِ

هشدار به غاصبین خلافت

فَدُونَكُمْوَهَا حَالَا دِيْغَر (خِلَافَت) بَرَاي شَمَا، اَن رَا بَغِيْرِيْد.

فَاَحْتَقِبُوَهَا اَيْنَك تَنِك بِنَبِيْد پَالَان اَيْن نَاقِه رَا،

دَبْرَةَ الظَّهْرِ كِه پِشْت او زَخْم دِيْدِه،

نَقْبَةَ الْخُفِّ پَآيْش تَاوَل زَدِه وَ سَايِيْدِه (وَ قَابِلِ سَوَارِي نِيْسْت)،

بَاقِيَةَ الْعَارِ وَ نَنِك اَن بَاقِي اِسْت،

مَوْسُومَةً بِغَضَبِ الْجَبَّارِ وَ دَاغِ غَضَبِ خُدَاي تَوَانَا بَرَاي او نِشَانِه اِسْت،

وَ سَنَارِ الْآبِدِ وَ رِسْوَايِي وَ بَدَنَامِي او هَمِيْشِغِي وَ اَبَدِي اِسْت،

نَفْث: بيرون ريختن، آه، خورز سستی، بَثَّة (بَث): آشکار کردن و بيرون ريختن غم، خُف: کف پای شتر، مَوْسُومَةً: داغ و نشانه‌ای که بر حيوان می‌زنند سَنَار: عار و ننگ



مَوْضُوعَةٌ بِنَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ

و سرانجام به آتش برافروخته الهی
خواهد رسید؛

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ

آتشی که بر دل‌ها شعله خواهد کشید.

فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ

آنچه می‌کنید پیش چشم خداست،

«وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»

«و آنانکه ستم کردند به زودی می‌دانند که
بازگشتشان به کجاست.» (شعراء/۲۲۷)

وَ أَنَا إِبْنَةٌ نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ

و منم دختر پیامبری که به عذاب سختی
که پیش روی شماست هشدار می‌داد.

فَاعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ

پس هرچه می‌خواهید بکنید، ما نیز به
کار خود هستیم،

وَ أَنْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ

و منتظر باشید که ما هم در انتظاریم.

پاسخ ابوبکر

فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ:

ابوبکر گفت:

صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَتْ إِبْنَتُهُ

خدا و پیامبرش راست گفته و دختر او
هم راست گفته،

مَعْدِنُ الْحِكْمَةِ وَمَوْطِنُ الْهُدَى وَ الرَّحْمَةُ

معدن حکمتی و کانون هدایت و
رحمت،

وَرُكْنُ الدِّينِ وَعَيْنُ الْحُجَّةِ

و رکن دین و شریعت، و چشمه جوشان
برهان و حجت.

من صحّت گفتار تو را رد نمی‌کنم و سخنانت را انکار نمی‌کنم.

لَا أَبْعَدُ صَوَابَكَ وَلَا أَنْكُرُ خَطَأَكَ

این مسلمانانند که بین من و تو داورند،

هُؤُلَاءِ الْمُسْلِمُونَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ

خلافتی را که بر عهده گرفته‌ام اینها به گردن من انداخته‌اند،

قَلَّدُونِي مَا تَقَلَّدْتُ

و با اجماع آنها این منصب را به دست گرفته‌ام.

وَبِاتِّفَاقٍ مِنْهُمْ أَخَذْتُ مَا أَخَذْتُ

نه متکبر بوده‌ام و نه خودرأیی کرده‌ام،

غَيْرَ مُكَابِرٍ وَلَا مُسْتَبِدٍّ

و نه خود را بر دیگران مقدم داشته‌ام،

وَلَا مُسْتَأْثِرٍ

و همگی بر این مطلب گواه و شاهدند.

وَهُمْ بِذَلِكَ شُهُودٌ

هشدار و اتمام حجّت نهایی حضرت به مسلمانان

آنگاه فاطمه (س) روی خود را به طرف مردم برگرداند،

فَالْتَفَتَتْ فَاطِمَةُ إِلَى النَّاسِ وَقَالَتْ:

و فرمود: ای جماعت مسلمین!

مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ

که شتابان به سوی حرف‌های باطل می‌روید،

الْمُسْرِعَةَ إِلَى قَبْلِ الْبَاطِلِ

و بر کارهای زشت و زیان‌بار چشم می‌پوشید،

الْمُغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ

آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنید؟

أَفَلَا تَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ



أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا

یا دل‌هایتان قفل خورده و نمی‌فهمید؟

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا آسَأْتُمْ مِنْ
أَعْمَالِكُمْ

نه، بلکه دل‌هایتان به خاطر اعمال
ناشایست زنگار گرفته،

فَاخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَأَبْصَارِكُمْ

و گوش و چشم شما را بسته و در اختیار
گرفته است.

وَلَبِئْسَ مَا تَأْتَوْتُمْ

و چه ناروا تأویل کرده و چه مصداق
بدی مقرر کرده‌اید،

وَسَاءَ مَا بِهِ اشْرْتُمْ

و چه راه بدی را نشان داده‌اید،

وَشَرًّا مَا مِنْهُ اعْتَصَمْتُمْ

و جابجایی و معاوضه بدی انجام
داده‌اید،

لَتَجِدَنَّ وَاللَّهِ مَحْمَلَهُ ثَقِيلًا وَغِيبَةً
وَبِيلاً

به خدا سوگند بار آن را سنگین و
عاقبت آن را ننگین خواهید یافت،

إِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْغِطَاءُ

زمانی که پرده‌ها کنار رود،

وَبَانَ مَا وَرَاءَهُ الضَّرَاءُ

و زیان‌های ناپیدا پدیدار گردد،

وَبَدَلَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ

و از جانب پروردگارتان برای شما ظاهر و
پیدا شود،

مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ

چیزی را که به فکرتان هم نمی‌رسید.

وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ

و آنجاست که اهل باطل زیانکار شوند.



ستایش خداوند یکتا، شکر نعمت‌ها، و شهادت بر یگانگی خدا:

۱. ستایش سزاوار خدا است برای نعمت‌هایی که عطا فرمود. و شکر و سپاس سزاوار اوست برای آنچه الهام فرمود. و درودها شایسته اوست برای آنچه از پیش عطا فرمود. از نعمت‌های گسترده‌ای که آغاز نمود، و روزی‌های فراوانی که ارزانی داشت، و عطایای ارزشمندی که پی در پی افزود. فراتر از آنکه شمارش شوند، و ماندگارتر از آنکه قابل بازگشت و جبران باشند. و پایش، فراتر از آنکه قابل ادراک باشد. و برای ازدیاد نعمت‌ها، آنها را به شکر خویش فراخوانده، و برای تکمیل آنها مردم را به ستایش خود دعوت نموده، و برای بدست آوردن امثال آنها، باز هم تشویق فرموده است.

۲. و شهادت می‌دهم که معبودی جز خدای یکتای بی شریک نیست. سخنی که مصداق خارجی آن را اخلاص قرار داده، و روح آن را به قلب‌ها پیوند داده، و ادارک عقلی آن را به روشنی برای عقول میسر کرده. چرا که دیدنش با چشم‌ها غیر ممکن، و بیان اوصافش با زبان، محال، و درک چگونگی او در پندار، ممتنع است.

۳. خداوند اشیاء را تازه آفرید، نه از چیزی که موجود باشد. و ایجادشان کرد، نه با پیروی و تقلید از چیزی. و با قدرت خویش هستی بخشید، و آنها را تکثیر و پراکنده ساخت، آنچنان که خواست. بی آنکه به آفرینش آنها نیازی داشته باشد، یا از صورت‌بندی آنها سودی برده باشد؛ جز آنکه حکمتش را به اثبات رسانده، و مردم را به اطاعت خود توجّه داده باشد، و قدرتش را از این دریچه ظاهر نموده، و زمینه پرستش را برای مخلوقاتش فراهم آورده باشد، و به دعوت پیامبرانش قوت بخشیده باشد.

فلسفه ثواب و عقاب:

۴. سپس برای اطاعتش پاداش مقرر فرمود، و برای معصیتش کیفرها وضع نمود؛ تا بندگان را از خشم و عذاب انتقام خود دور کند، و آنها را به سوی بهشت خودش سوق دهد.

شهادت به رسالت حضرت محمد(ص):

۵. و گواهی می‌دهم که پدرم محمد، بنده و فرستاده اوست. او را پیش از آنکه او را بفرستد انتخاب کرد، و پیش از آنکه انتخاب کند نشانه کرد، و پیش از آنکه او را به



پیامبری برانگیزد گزینش کرد.

۶. در حالی که مخلوقات، هنوز در عالم غیب پنهان بودند، و در پوشش اصلاب و ارحام، محفوظ بودند، و با مرز نیستی همنشین بودند. دلیل انتخاب پیامبر (ص)، علم خداوند متعال به آینده دوران، و احاطه کامل او به حوادث روزگاران، و شناخت کامل او به مقدرات جهان بود. خداوند پیامبر (ص) را مبعوث فرمود، برای به انجام رساندن برنامه اش، و اراده قطعی بر ابلاغ و اجرای تصمیمش، و عملی کردن مقدرات حتمی اش.

وضع مردم قبل و بعد از بعثت:

۷. او مردم را مشاهده کرد، هر فرقه‌ای دینی را برگزیده، برخی به خلوت‌نشینی و عبادت در آتشکده‌اند، برخی مشغول پرستش بت‌های تراشیده‌اند، و با اینکه او را به خوبی می‌شناسند، خدا را انکار می‌کنند.

۸. خداوند با نور پدرم محمد، تاریکی‌هایی که حاکم شده بود را زدود، و پرده‌های ابهام را از قلب آنها کنار زد، و تیرگی‌ها را از مقابل چشم‌ها برطرف ساخت، و در میان مردم به هدایت برخاست.

۹. تا اینکه آنها را از گمراهی و خرافات نجات داد، و به جای کوردلی، آنها را روشن بین نمود، و به دین استوار و با قوام هدایت فرمود، و آنها را به راه راست دعوت نمود.

وفات رسول خدا (ص):

۱۰. آنگاه خدا روح او را به سوی خویش کشید، با لطف و محبت، و اختیار و اشتیاق و انتخاب. اکنون محمد (ص) از رنج این دنیا راحت شده، فرشتگان برتر او را در میان گرفته، و رضوان پروردگار آمرزنده او را در بر گرفته، و در همسایگی فرمانروای چیره جای گرفته است. درود خدا بر پدرم، پیامبر (ص) و امین او، و بهترین مردمان و برگزیده او، و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او.

۱۱. سپس رو به اهل مجلس کرد و فرمود: شما بندگان خدا، مخاطبان او و امر و نهی او، و حاملان دین و وحی او، و امانت‌داران خدا نسبت به یکدیگر، و رساننده پیام او به امت‌های دیگر هستید. پرچمدار و حافظ حق او در میان شماست، و عهدنامه‌ای که برایتان فرستاده، و یادگاری که بر شما حاکم کرده نزد شماست.

۱۲. کتاب گویای خداوند و قرآن راستگو، نوری تابنده، و روشنایی درخشنده، دلایلش



روشن و اسرار باطنی اش هویدا، زیبایی هایش جلوه‌کننده، و رهروانش مورد غبطه، پیروی اش باعث رسیدن به رضوان الهی است، و نوندگانش را به راه نجات کشانیده است.

۱۳. از طریق قرآن می‌توان به حجت‌های روشن خدا رسید، و واجباتی که در آن تشریح شده و محرمانه‌ای که منع شده، و دلایل روشن‌گرانه و برهان‌های قانع‌کننده، و فضائل پسندیده و رخصت‌ها و مباح‌های مرحمت شده، و دستورات و احکامی که واجب شده را به دست آورد.

اسرار عبادات و احکام دین:

۱۴. خداوند ایمان را مقرر فرمود برای پاکی شما از شرک، و نماز را مقرر فرمود برای دوری شما از کبر و خودخواهی، و زکات را برای پاکیزگی نفس و افزایش روزی، و روزه را برای تحکیم اخلاص و پایداری، و حج را برای شکوه دین و استواری، و عدالت را برای پیوند قلب‌ها و همبستگی، و اطاعت ما خاندان را برای نظم و هماهنگی، و امامت ما را برای ایمنی از تفرقه و فروپاشی، و جهاد را برای عزت اسلام و سربلندی قرار داد.

۱۵. و صبر را وسیله‌ای برای شایستگی پاداش الهی، و امر به معروف را برای مصلحت عموم مردم، و نیکی به پدر و مادر را برای جلوگیری از غضب الهی، و صلۀ رحم را برای افزایش جمعیت و عمر طولانی، و قصاص را برای حفظ جان و پیشگیری از خون‌ریزی، و وفای به نذر را برای کسب آمرزش الهی، و کامل دادن پیمانۀ و وزن را برای تغییر روحیۀ کم‌فروشی، و نهی از شرابخواری را برای دوری از پلیدی، و پرهیز از تهمت را برای دوری از لعنت خداوندی، و ترک دزدی را الزامی برای مصونیت از لغزش قرار داد و شرک را حرام فرمود برای خلوص نسبت به او در ربوبیت.

۱۶. «پس تقوا پیشه کنید، آنگونه که شایسته‌ی مقام اوست، و از دنیا نروید، جز آنکه تسلیم امر خدا باشید.» و خدا را در آنچه به آن امر و نهی شده‌اید اطاعت نمایید، چرا که «از میان بندگان خداوند، تنها عالمان در برابر عظمت خدا متواضعند.»

معرفی خود و خدمات پیامبر (ص):

۱۷. آنگاه فرمود: ای مردم! همه بدانید، من فاطمه‌ام و پدرم محمد است. دوباره هم می‌گویم، چنانکه در ابتدا هم بیان نمودم، و آنچه را می‌گویم اشتباه نمی‌گویم، و در



آنچه می‌کنم راه خطا نمی‌پویم. «همانا برای شما، پیامبری از میان خودتان آمد، که رنج و محنت شما بر او دشوار، و بر نجات شما مشتاق، و بر مؤمنان، رؤف و مهربان است.» و اگر خاندان و نسب او را جويا شوید و او را بشناسید، می‌یابید که او پدر من است، نه پدر زنان شما، و برادر پسر عمومی من است، نه برادر مردان شما. و چه افتخار و نیکو نسبتی است، نسبت با او.

۱۸. او وظیفهٔ ابلاغ رسالتش را به خوبی انجام داد، آشکارا هشدار می‌داد، از راه و رسم مشرکین رو می‌گرداند، با نواختن بر شانه‌ها، مردم را به پیش می‌راند، و از مقابل، آنها را می‌کشید. و با حکمت و اندرز نیکو به سوی پروردگار خود فرا می‌خواند. بت‌های سنگی و گلی را می‌شکست، و اشراف و سران مشرک و متکبر را سر می‌کوباند، تا اینکه جمع آنها شکست خورد و رو به عقب گریختند، و صبح ایمان، تاریکی کفر را شکافت و سر برآورد، و حقیقت ناب به جلوه درآمد، و زمامدار دین به سخن آمد، و فریادهای شیاطین خاموش گشت، و دورویی و فرومایگی اهل نفاق فرونشست، و همبستگی‌های کفر و دشمنی و اختلاف به پایان آمد، و زبان به گفتن لا اله الا الله گشودید، و با نفرتی رنگ‌پریده و شکم خالی هم‌زبان شدید.



حقارت مردم قبل از اسلام:

۱۹. و اما پیش از این بر لب پرتگاهی از آتش بودید، همچون جرعه‌ای برای آنها که دنبال نوشیدن‌اند، و فرصتی برای آنها که در طمع شکارند، و پارهٔ آتشی برای آنها که دنبال ربودن آتش‌اند. و لگدکوب هر رونده، نوشندهٔ آبهای آلوده و گندیده، و خورندهٔ گوشت‌های خشکیده، و خوار و حقیر و رانده بودید. و پیوسته از اینکه مردمان غارتگر شما را برابیند می‌ترسیدید. تا اینکه خدای تعالی شما را به وسیلهٔ محمد (ص) نجات داد، البته بعد از آن همه خواری و ناتوانی، و بعد از درگیری با مردان بی‌باک و بی‌پروا، و دزدان بدبخت عرب، و متمردين نافرمان یهود و نصارا.

علی (ع) و فداکاری‌های او:

۲۰. هر زمان آتش جنگی افروخته می‌شد، خداوند آن را خاموش می‌کرد. و یا هرگاه شاخ شیطان سر برمی‌آورد، و یا فتنه‌ای از سوی مشرکین دهان می‌گشود، پیامبر (ص)، برادرش علی را در دهان معرکه می‌انداخت، و او دست بردار نبود، و سر از پا نمی‌شناخت، تا گوش آنان را کف پایش می‌گذاشت، و آتش فتنه را با آب شمشیرش

خاموش می ساخت. در راه خدا بسیار سختی کشیده، در امر خدا بسیار کوشیده، مجاور و نزدیک به رسول خدا، سید و سالار و سروری از اولیاء خدا، آستین بالا و آماده، خیرخواه، پرتلاش و کوشنده، و در راه خدا بی اعتنا به سرزنش ها و ملامت ها بود.

سرزنش رفاه طلبان و فتنه گران:

۲۱. اما شما در رفاه و آسایش زندگی آرمیده، در شادمانی و امنیت با خیال آسوده لم داده، در انتظار دگرگونی روزگار و حوادث ناگوار برای ما نشست، و گوش به زنگ اخبار بد درباره ما هستید، و در هنگامه کارزار، عقب نشینی می کنید، و از جنگ و جهاد فرار می کنید.

ظاهر شدن چهره نفاق پس از رحلت پیامبر (ص):

۲۲. اما زمانی که خداوند، برای پیامبرش سرای ابدی پیامبران را اختیار کرد، و آرامگاه همیشگی برگزیدگانش را برای او برگزید، کینه های درونی و علائم دورویی شما ظاهر گردید، و جامه دین پوشید و گمراهان خشم فرو برده به نطق آمدند، و فرومایگان بی نام و نشان سر بر آوردند و جلو آمدند، و نعره اهل باطل همچون شتر مست نازپرورده به غرش آمد، و در صحنه اجتماع شما به حرکت درآمد، و شیطان سرش را از مخفی گاهش بیرون کرد، و شما را به سوی خود دعوت کرد، و شما را آماده پذیرش دعوتش یافت، و شما را برای فریب خوردن آماده دید.

غصب خلافت:

۲۳. و [شیطان] شما را به سوی خود دعوت کرد، و شما را آماده پذیرش دعوتش یافت، و توجه شما به فریب هایش را زیر نظر داشت، آنگاه به تحریک شما برای قیام پرداخت، و شما را سبکبار و آماده تحریک یافت، و شعله های خشم و کینه را در درون شما روشن کرد و آثار غضب را در شما نمایان دید، به شتری که از آن شما نبود، علامت نهادید، و به آبشخوری که حق شما نبود وارد شدید. (و به غصب حکومت پرداختید) و هنوز از رحلت پیامبر (ص) چیزی نگذشته بود، و زخم این مصیبت هنوز عمیق و باز بود، و جراحات قلبی ما التیام نیافته بود، و هنوز پیامبر (ص) به خاک سپرده نشده بود، شتاب زده (در تعیین خلیفه) هرچه خواستید کردید. ظاهراً نگران هجوم فتنه ها بودید (فتنه ها را بهانه کردید) «بدانید که خود در فتنه فرو افتادند، و جهنم بر کافران احاطه دارد.»



۲۴. هیهات، از شما چنین انتظاری نبود! شما را چه شده؟ و چه می‌کنید؟ کجا؟ و چرا کج‌راهه می‌روید؟ با اینکه کتاب خدا پیش روی شماست، مطالبش نمایان، و احکامش درخشان، و نشانه‌های هدایتش تابان، و منهیات آن پیدا و اوامرش هویداست. اما شما آن را پشت سر انداختید! به راستی قصد دوری از آن را دارید؟ و به غیر آن حکم می‌کنید؟ چه بد است برای ظالمان، آنچه به جای قرآن انتخاب کردند. «و هرکس غیر از اسلام، راه و رسمی انتخاب کند، قطعاً پذیرفته نخواهد بود، و در آخرت در گروه زیانکاران خواهد بود.»

آری شما سوار بر ناقهٔ خلافت شدید:

۲۵. آنگاه درنگ نکردید، مگر به اندازه‌ای که مرکب خلافت رام شود، و مهار آن و تسلط بر اوضاع آسان شود، دوباره آتش فتنه‌ها را بر افروختید، و شعله‌ها و شراره‌های آن را پیوسته تحریک کردید، و همواره دعوت شیطان فریبکار را اجابت می‌کنید، و به خاموش کردن جلوه‌های انوار دین خدا می‌پردازید، و در عمل به سنت‌های پیامبر (ص) برگزیده اهمال می‌کنید، و یواشکی کاسهٔ شیر را تا آخر سر می‌کشید، به این بهانه که می‌خواهید کف روی شیر را برگیرید. و برعلیه خانواده و فرزندان پیامبر (ص) قدم برمی‌دارید، آرام و مخفیانه، از پشت نهانگاه‌ها، تپه‌ها و انبوه درختان. و باید تحمل کنیم، آنچه از شما بر ماست، که همانند زخم دشنه بر حنجره‌هاست، و سوزش هنگام فرو رفتن نیزه در دل‌هاست.

دادخواهی دربارهٔ غصب فدک در برابر ابوبکر:

۲۶. و اکنون گمان می‌کنید که ارثی برای ما نیست، «آیا همان سنت جاهلی را دنبال می‌کنید؟ و چه حکمی از حکم خدا برای اهل یقین بهتر است؟» آیا شما این مسائل را نمی‌دانید؟ البته که می‌دانید! و همانند آفتاب درخشنده برایتان هویداست که من دختر پیامبر (ص) هستم. ای مسلمانان! سزاوار است ارث من به زور از من گرفته شود؟

۲۷. ای پسر ابی‌قحافه، آیا این در کتاب خدا نوشته شده، که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارثی نداشته باشم؟ چه سخن عجیب و بی‌سابقه‌ای به هم بافته‌اید! آیا عمداً کتاب خدا را ترک کرده‌اید، و آن را پشت سر انداخته‌اید؟ قرآن می‌گوید: «سلیمان از داود ارث بُرد» و در داستان زکریا نیز چنین است، آنجا که فرمود: «پروردگارا، مرا فرزندی عنایت فرما تا از من و از خاندان یعقوب ارث ببرد.»



۲۸. و در کتاب خدا فرمود: «و خویشاوندان رحمی، در ارث بعضی بر بعض دیگر سزاوارترند.» و فرمود: «خدا شما را به ارث فرزندان سفارش می‌کند که پسر دو برابر دختر بهره می‌برد.» و فرمود: «اگر مالی باقی بماند، به شایستگی برای پدران و مادران و خویشان وصیت شود، که این حقی است بر عهده پرهیزگاران.» و شما چنین گمان بردید که برای من بهره‌ای نیست، و سهمی از ارث پدرم برای من نیست، و نسبت خویشاوندی بین ما نیست! آیا خداوند آیه‌ای را مختص به شما نازل کرده، و پدرم را از حکم آن خارج کرده؟

۲۹. یا اینکه می‌گویید: پیروان دو مذهب از یکدیگر ارث نمی‌برند؟ آیا من و پدرم از یک دین و مذهب نیستیم؟ آیا شما به عام و خاص قرآن از پدر و پسر عموی من داناترید؟

عذاب قیامت برای غاصبان:

۳۰. حالا که چنین است، بگیر (ارث من از آن تو) همچون شتری مهارزده و آماده استفاده است! اما روزی که از خاک برخیزی، تو را ملاقات می‌کند، و چه نیکو داوری است در آن روز خداوند، و چه نیکو پیشوایی است محمد (ص)، و چه نیکو وعده‌گاهی است قیامت. و در آن زمان، اهل باطل همگی زیان‌کار باشند، و پشیمانی در آن زمان فایده‌ای ندارد. «و هر خبری که خدا داده زمان وقوعی دارد، و به زودی خواهید فهمید» «که عذاب خوارکننده بر چه کسی فرود آید، و عذاب جاودانه بر چه کسی روا باشد.»

سرزنش انصار، به خاطر سکوت و کوتاهی ایشان:

۳۱. آنگاه به سوی انصار نظر کرد و فرمود: ای بزرگان و سروران امت، و ای بازوان و حامیان ملت، و ای پاسداران و حافظان اسلام! این چه قصور و کوتاهی است در حق من؟ و این چه تسامحی است، نسبت به دادخواهی من؟ آیا پدرم رسول خدا نمی‌فرمود: احترام هرکس در احترام به فرزندان باقیست؟ چه سریع، اوضاع را دگرگون کردید، و چه زود به آنچه زمانش نرسیده بود اقدام کردید، با اینکه شما توان آنچه را دنبال آن هستم دارید، و قدرت حمایت از خواسته و هدف مرا دارید.

۳۲. آیا می‌گویید: دیگر محمد مرده و همه چیز تمام شده؟ آری، مصیبتی بس بزرگ رخ داده، ضعف و سستی حاصل از آن مصیبت فراگیر شده، و شکاف ایجاد شده، دامنه‌دار و بازتر شده، و همبستگی ملت به گسستگی تبدیل شده، و در غیبت



پیامبر (ص)، تاریکی همه جا را فرا گرفته، و خورشید و ماه گرفته و کم فروغ شده، و ستارگان در مصیبت او پراکنده گشته، و آرزوها به نومیدی گراییده، و کوه‌ها سر فرود آورده، و حریم‌ها ضایع و بی اعتبار شده، و با رفتن او دیگر حرمتی باقی نمانده است. ۳۳. به خدا سوگند که این است همان فاجعه کبیره، و همان مصیبت عظیمه، که به مانند آن نازل نشده، و بلای جانگدازی در این سرا به پای آن نرسیده است. و البته کتاب خدای جلیل قبلاً از آن خبر داده؛ کتابی که در محضر شماس است و هر صبح و شام می‌خوانید، و با صدای بلند و رسا قرائت می‌کنید، یا با لحن خوش تلاوت می‌نمایید، و البته پیش از او نیز برای دیگر انبیای خدا اتفاق افتاده، حکمی است حتمی و قضائی است قطعی.

۳۴. «محمد، تنها فرستاده خداست، که پیش از وی پیامبران دیگری نیز بوده‌اند، اگر بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب برمی‌گردید؟ البته هرکس به عقب برگردد، کوچکترین زیانی به خدا نمی‌رساند، و خدا به زودی شاکران را پاداش می‌دهد.»

حضرت دوباره به انصار خطاب فرمود: چرا حمایت نمی‌کنید؟

۳۵. هان عجب! ای فرزندان قیله و گروه انصار! آیا حق من از میراث پدرم ظالمانه از من گرفته می‌شود، در حالی که شما می‌بینید و می‌شنوید؟ و در جلسات و مجامع مخاطب هستید؟ دعوت من شما را فرا می‌گیرد، و خبرها فراگیر است، و نفرات و آمادگی کامل دارید، و ابزار و نیروی کافی در اختیارتان هست، و سلاح جنگی و سپر هم دارید.

۳۶. اما با اینکه به حد کفایت، صدای دعوت به شما می‌رسد، اجابت نمی‌کنید، و فریاد استغاثه به گوشتان می‌رسد و فریادرسی نمی‌کنید. به جنگ آوری و بی‌باکی زبانزدید، و به اهل خیر و صلاح معروفید، و برجستگانی هستید که انتخاب شده‌اید، و اهل خیری هستید که برای ما اهل بیت برگزیده شده‌اید، با جماعت عرب پیکار کردید، و متحمل رنج و خستگی زیادی شدید، و با گردنکشان اقوام شاخ به شاخ شدید، و پنجه در پنجه حریفان سرسخت انداختید. تا بود اینگونه بود که باهم حرکت می‌کردیم، ما فرمان می‌دادیم و شما فرمان می‌بردید.

۳۷. تا اینکه آسیای اسلام با محوریت ما به گردش درآمد و چرخید، و شیر پستان روزگار و خیر و برکت به فراوانی رسید، و نعره‌های نخوت‌آمیز شرک، کم‌کم به سردی

گرایید، و فوران دروغ و تهمت فروکشید، و آتش کفر به خاموشی گرایید، و دعوت به هرج و مرج و آشوب کم کم بیارامید، و نظام دین انسجام یافت و به سر و سامان رسید. چه شد که بعد از روشن شدن حق چنین حیرانید؟ و پس از آشکار شدن، حقیقت را پوشیده می‌دارید؟ و بعد از پیشقدمی، عقب‌نشینی کردید؟ و بعد از ایمان، راه شرک در پیش گرفتید؟

۳۸. بدابه حال مردمی که بعد از اینکه پیمان بستند سوگندهایشان را شکستند، و در بیرون راندن پیامبر (ص) اهتمام کردند، و نخستین بار، پیکار را آنان شروع نمودند. از آنها می‌ترسید؟ (چرا با آنها مبارزه نمی‌کنید) در حالی که سزاوارتر است که از خدا بترسید، اگر اهل ایمانید.»

۳۹. آگاه باشید، من چنین می‌بینم که شما در راحت طلبی زمین‌گیر شده‌اید. و دور کردید کسی را که سزاوارترین است، به کم و زیاد کردن، و دخل و تصرف و تدبیر امور، و در گوشه فراغت به آرامش روی آورده‌اید، و خود را از فقر و تنگنا، به گشایش رسانده‌اید. نتیجه آنکه، بیرون انداختید آنچه را فراگرفته بودید، و بالا آوردید آنچه را به گوارایی فروبرده بودید. «پس اگر شما و هرکس در روی زمین است کافر شود، خدا از همگان بی‌نیاز و ستودنی است.»

۴۰. آگاه باشید، آنچه لازم بود بگویم را گفتم، با اینکه شما را می‌شناسم و می‌دانم که یاری نکردن، آمیخته با سرشت شماست، تنها گذاشتن و وفا نکردن، فراگیر قلوب شماست. ولی این شکوه‌ها سرریز اندوه و نگرانی‌های متراکم بود، و آه دلی خشمگین و برافروخته، و سستی و ناتوانی حامیانی برای تکیه، و بروز غصه‌های انباشته و نهفته در سینه، و اتمام حجتی برای همه.

هشدار به غاصبین خلافت:

۴۱. حالا دیگر (خلافت) برای شما، آنها را بگیرید. اینک تنگ بیندید پالان این ناقه را، که پشت او زخم دیده، پایش تاول زده و ساییده (و قابل سواری نیست)، و ننگ آن باقی است، و داغ غضب خدای توانا برای او نشانه است، و رسوایی و بدنامی او همیشگی و ابدی است، و سرانجام به آتش برافروخته الهی خواهد رسید؛ آتشی که بر دل‌ها شعله خواهد کشید. آنچه می‌کنید پیش چشم خداست، «و آنانکه ستم کردند به زودی می‌دانند که بازگشتشان به کجاست.» و منم دختر پیامبری که به عذاب



سختی که پیش روی شما است هشدار می‌داد. پس هرچه می‌خواهید بکنید، ما نیز به کار خود هستیم، و منتظر باشید که ما هم در انتظاریم.

پاسخ ابوبکر:

۴۲. ابوبکر گفت: خدا و پیامبرش راست گفته و دختر او هم راست گفته، معدن حکمتی و کانون هدایت و رحمت، و رکن دین و شریعت، و چشمه جوشان برهان و حجت. من صحت گفتار تو را رد نمی‌کنم و سخنانت را انکار نمی‌کنم. این مسلمانانند که بین من و تو داورند، خلافتی را که بر عهده گرفته‌ام اینها به گردن من انداخته‌اند، و با اجماع آنها این منصب را به دست گرفته‌ام. نه متکبر بوده‌ام و نه خودرأیی کرده‌ام، و نه خود را بر دیگران مقدم داشته‌ام، و همگی بر این مطلب گواه و شاهدند.

هشدار و اتمام حجت نهایی حضرت به مسلمانان:

۴۳. آنگاه فاطمه (س) روی خود را به طرف مردم برگرداند، و فرمود: ای جماعت مسلمین! که شتابان به سوی حرف‌های باطل می‌روید، و بر کارهای زشت و زیان‌بار چشم می‌پوشید، آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنید؟ یا دل‌هایتان قفل خورده و نمی‌فهمید؟ نه، بلکه دل‌هایتان به خاطر اعمال ناشایست زنگار گرفته، و گوش و چشم شما را بسته و در اختیار گرفته است. و چه ناروا تأویل کرده و چه مصداق بدی مقرر کرده‌اید، و چه راه بدی را نشان داده‌اید، و جابجایی و معاوضه بدی انجام داده‌اید.

۴۴. به خدا سوگند بار آن را سنگین و عاقبت آن را ننگین خواهید یافت، زمانی که پرده‌ها کنار رود، و زیان‌های ناپیدا پدیدار گردد، و از جانب پروردگارتان برای شما ظاهر و پیدا شود، چیزی را که به فکرتان هم نمی‌رسید. و آنجاست که اهل باطل زیانکار شوند.

ستایش خداوند یکتا، شکر نعمت‌ها، و شهادت بر یگانگی خدا:

۱. الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا أَنْعَمَ، وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَىٰ مَا أَلْهَمَ، وَالثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ، مِنْ عُمُومٍ نِعْمٍ ابْتَدَأَهَا، وَسُبُوحِ الْأَعْيَادِهَا، وَتَمَامِ مَنَنِ وَالْأَهْلِ، جَمَّ عَنِ الْإِحْصَاءِ عَدْدُهَا، وَنَأَىٰ عَنِ الْجَزَاءِ أَمْدُهَا، وَتَفَاوُتَ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبْدُهَا، وَنَدَبَهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا، وَاسْتَحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْزَالِهَا، وَثَنَىٰ بِالنَّدْبِ إِلَىٰ أَمْثَالِهَا.

۲. وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةً جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا، وَضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْضُوعَهَا، وَأَنَارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا، الْمُمْتَنِعَ عَنِ الْأَبْصَارِ رُؤْيَتَهُ، وَمِنَ الْأَلْسُنِ صِفَتَهُ، وَمِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتَهُ.

۳. ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَأَنْشَأَهَا بِلَا أَحْتِذَاءِ أَمْثَلَةٍ امْتَثَلَهَا. كَوْنَهَا بِقُدْرَتِهِ، وَذَرَأَهَا بِمَشِيَّتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَلَا فَايِدَةٍ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا، إِلَّا تَثْبِيثًا لِحُكْمَتِهِ، وَتَنْبِيهًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَإِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ، وَتَعْبُدًا لِبَرِّيَّتِهِ، وَإِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ.

فلسفه ثواب و عقاب:

۴. ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَوَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَّتِهِ، ذِيَادَةً لِعِبَادِهِ مِنْ نِقْمَتِهِ، وَحَيَاشَةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ.

شهادت به رسالت حضرت محمد (ص):

۵. وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ، وَسَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَاهُ، وَاصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ يُبْتَعَثَهُ.

۶. إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ، وَبِسْتِرِّ الْأَهَاوِيلِ مَصُونَةٌ، وَبِنَهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ، عِلْمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ الْأُمُورِ، وَإِحَاطَةً بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ، وَمَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْمَقْدُورِ، ابْتَعَثَهُ اللَّهُ إِتْمَامًا لِأَمْرِهِ، وَعَزِيمَةً عَلَى إِمْضَاءِ حُكْمِهِ، وَإِنْفَاذًا لِمَقَادِيرِ حَتْمِهِ



وضع مردم قبل و بعد از بعثت:

۷. فرأى الأمم فرقا في أديانها، عكفاً على نيرانها، عابدةً لاوثانها، منكراً لله مع عرفانها.

۸. فأنار الله بآبي محمد ظلمها، وكشف عن القلوب بهمها، وجلي عن الأبصار غمها.

۹. وقام في الناس بالهداية، فأنقذهم من الغواية، وبصرهم من العمية، وهداهم إلى الدين القويم، ودعاهم إلى الطريق المستقيم.

وفات رسول خدا(ص):

۱۰. ثم قبضه الله إليه، قبض رافةً واختيار، ورغبةً وإيثار، فمحمدٌ من تعب هذه الدار في راحة، قد حُفَّ بالملائكة الأبرار، ورضوان الرب الغفار، ومجاورة الملك الجبار، صلى الله على أبي، نبيه وأمينه، وخيرته من الخلق وصفيه، والسلام عليه ورحمة الله وبركاته.

قرآن میراث پیامبر (ص) در میان امت:

۱۱. ثم التفتت إلى أهل المجلس، وقالت: أنتم عباد الله، نصب أمره ونهيه، وحملته دينه ووحيه، وأمناء الله على أنفسكم، وبلغاؤه إلى الأمر، وزعيم حقه فيكم، وعهد قدمه إليكم، وبقية استخلفها عليكم.

۱۲. كتاب الله الناطق، والقرآن الصادق، والنور الساطع، والضياء اللامع، بينة بصائر، منكشفة سرائر، منجلية ظواهر، معتبطة به أشياعه، قائداً إلى الرضوان إتباعه، مؤدّاً إلى النجاة استماعه.

۱۳. به تنال حجب الله المنورة، وعزائم المفسرة، ومحارمه المحذرة، وبيئاته الجالية، وبراهينه الكافية، وفوائله المندوبة، ورخصه الموهوبة، وشرائعه المكتوبة.

اسرار عبادات و احكام دين:

١٤. فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ، تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ، وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ، وَ الزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَنَمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَالصِّيَامَ تَثْبِيهاً لِلْإِحْلَاصِ، وَالْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ، وَالْعَدْلَ تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ، وَطَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا أَمَاناً لِلْفُرْقَةِ، وَالْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ.

١٥. وَالصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ، وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ، وَبِرَّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةً مِنَ السَّخَطِ، وَصِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنْسَاءً فِي الْعُمُرِ وَمَنْمَاءً لِلْعَدَدِ، وَالْقِصَاصَ حِقْناً لِلدِّمَاءِ، وَالْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِيضاً لِلْمَغْفِرَةِ، وَتَوْفِيَةَ الْمَكَائِلِ وَالْمَوَازِينَ تَغْيِيراً لِلْبَخْسِ، وَالنَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهاً عَنِ الرَّجْسِ، وَاجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَاباً عَنِ اللَّعْنَةِ، وَ تَرْكَ السَّرِقَةِ إِيْجَاباً لِلْعِصْمَةِ، وَحَرَمَ اللَّهِ الشِّرْكَ إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ.

١٦. «فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»، وَأَطِيعُوا اللَّهَ، فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَنَهَاكُمْ عَنْهُ، فَإِنَّهُ، «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ، الْعُلَمَاءُ».

معرفى خود و خدمات پیامبر (ص):

١٧. ثُمَّ قَالَتْ: أَيُّهَا النَّاسُ! اِعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَابْنُ مُحَمَّدٍ، أَقُولُ عَوْداً وَبَدَءاً، وَلَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلْطاً، وَلَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطْطاً، «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ، عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ، حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ، بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ». فَإِنْ تَعَزَّوْهُ وَتَعَرَّفُوهُ، تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ، وَأَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ، وَلِنِعْمَ الْمَعَزِيُّ إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

١٨. فَبَلَغَ الرِّسَالَةَ، صَادِعاً بِالنَّذَارَةِ، مَاثِلاً عَنِ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ، ضَارِباً ثَبَجَهُمْ، أَخِذاً بِأَكْظَامِهِمْ، دَاعِياً إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ، بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، يَكْسِرُ الْأَصْنَامَ، وَيَنْكُثُ الْهَامَ، حَتَّى انْهَزَمَ الْجَمْعُ، وَوَلَّوْا الدُّبُرَ، وَتَفَرَّى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ، وَأَسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ، وَنَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ، وَخَرَسَتْ شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ، وَطَاحَ وَشَيْطُ النَّفَاقِ، وَانْحَلَّتْ عُقْدُ الْكُفْرِ وَالشَّقَاقِ، وَفُهِتُمْ بِكَلِمَةِ الْإِحْلَاصِ، فِي نَفَرٍ مِنَ الْبَيْضِ الْخِمَاصِ.



حقارت مردم قبل از اسلام:

۱۹. وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُذَقَّةَ الشَّارِبِ، وَنَهْزَةَ الطَّامِعِ، وَقَبَسَةَ الْعِجْلَانِ، وَ مَوْطِيءَ الْأَقْدَامِ، تَشْرَبُونَ الصَّرْقَ، وَتَقْتَاتُونَ الْقِدَّ، أَذِلَّةَ خَاسِسِينَ، تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَانْقَذَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِمُحَمَّدٍ، بَعْدَ اللَّتْيَا وَالَّتِي، وَبَعْدَ أَنْ مُنِيَ بِهِمُ الرِّجَالِ، وَذُوبَانِ الْعَرَبِ، وَمَرْدَةِ أَهْلِ الْكِتَابِ.

علی (ع) و فداکاری های او:

۲۰. كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ، أَطْفَأَهَا اللَّهُ، أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ، أَوْ فَغَرَّتْ فَاغِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَذَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكِفِيءُ حَتَّى يَطَأَ صِمَاخَهَا بِأُخْمِصِهِ، وَيُخِمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ، مَكْدُودًا فِي ذَاتِ اللَّهِ، مُجْتَهِدًا فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدًا فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُشِيرًا، نَاصِحًا مُجِدًّا كَادِحًا، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَآئِمَةٌ.

سرزنش رفاه طلبان و فتنه گران:

۲۱. وَأَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَّةٍ مِنَ الْعَيْشِ، وَادْعُونَ فَكِهِونَ آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرِ، وَ تَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ، وَتَنْكُصُونَ عِنْدَ النَّزَالِ، وَتَفِرُونَ مِنَ الْقِتَالِ.

ظاهر شدن چهره نفاق پس از رحلت پیامبر (ص):

۲۲. فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ، وَمَأْوَى أَصْفِيَائِهِ، ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةُ النِّفَاقِ، وَ سَمَلُ جِلْبَابِ الدِّينِ، وَنَطَقَ كَاطِمُ الْغَاوِينَ، وَنَبَعَ خَامِلُ الْأَقْلِينَ، وَهَدَرَ فَنِيْقُ الْمُبْطِلِينَ، فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ، وَأَطَاعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَعْرَزِهِ، هَاتِفًا بِكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ لِلْغَرَّةِ فِيهِ مَلَا حَظِينَ.

غصب خلافت:

۲۳. ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ [الشيطان]، فَوَجَدَكُمْ خِيفًا، وَ أَحْمَشَكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ غَضَابًا، فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ إِبِلِكُمْ، وَوَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرَبِكُمْ، هَذَا وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَالْكَلْمُ رَحِيبٌ، وَالْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ، وَالرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ، إِبْتِدَارًا، زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ، «الْأَفِي الْفِتْنَةِ

سَقَطُوا، وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (توبه/٤٩).

٢٤. فَهَيَّاتَ مِنْكُمْ، وَكَيْفَ بِكُمْ، وَأَنْتَى تُؤْفَكُونَ، وَكِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَأَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَأَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَزَوَاجِرُهُ لَائِحَةٌ، وَأَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، وَقَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، أَرَعْبَةً عَنْهُ تُرِيدُونَ أَمْ بِغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ؟ بئسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا، «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا، فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ، وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران/٨٥).

آرى شما سوار بر ناقه خلافت شديد:

٢٥. ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَّا رَيْثًا، أَنْ تَسْكُنَ نَفَرْتَهَا، وَيَسْلَسَ قِيَادَهَا، ثُمَّ أَخَذْتُمْ تُورُونَ وَقَدْتَهَا، وَتُهَيِّجُونَ جَمْرَتَهَا، وَتَسْتَجِيبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ، وَإِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ، وَاهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ، تُسْرُونَ حَسَوًا فِي ارْتِعَاءٍ، وَتَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ، فِي الْخَمْرِ وَالصَّرَاءِ، وَنَصْبِ مَنْكُمْ، عَلَى مِثْلِ حَزْرِ الْمُدَى، وَوَحْزِ السِّنَانِ فِي الْحِشَا.

دادخواهى درباره غصب فدك در برابر ابوبكر:

٢٦. وَأَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ، أَنْ لَا إِرْثَ لَنَا، أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ تَبْعُونَ، وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟ بلى، قَدْ تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ، أَنَّى إِبْنَتُهُ. أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! أَأَغْلَبُ عَلَى إِرْثِي؟

٢٧. يَا بَنَ أَبِي قُحَافَةَ! أَفِي كِتَابِ اللَّهِ، أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ، وَلَا إِرْثَ أَبِي؟ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا، أَفَعَلَى عَمَدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ، وَنَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، إِذْ يَقُولُ: «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ»، وَقَالَ فِيمَا اقْتَصَّ مِنْ خَبَرِ زَكْرِيَّا، إِذْ قَالَ: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا، يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»

٢٨. وَقَالَ: «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ، بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ»، وَقَالَ: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ، لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ»، وَقَالَ: «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا، الْوَصِيَّةُ لِلْوَالدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ، حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ». وَزَعَمْتُمْ أَنْ لَا حُظُوةَ لِي، وَلَا إِرْثَ مِنْ أَبِي، وَ لَا رَحِمَ بَيْنَنَا، أَفَخَصَّكُمْ اللَّهُ بِآيَةٍ، أَخْرَجَ أَبِي مِنْهَا؟



٢٩. أَمْ هَلْ تَقُولُونَ: إِنَّ أَهْلَ الْمِلَّةَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؟ أَوَلَسْتُ أَنَا وَآبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَعُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَابْنِ عَمِّي؟

عذاب قيامت برای غاصبان:

٣٠. فَدُونَكُمَا مَخْطُومَةٌ مَرْحُولَةٌ، تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ، فَنِعْمَ الْحَكْمُ لِلَّهِ، وَالرَّعِيمُ مُحَمَّدٌ، وَالْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ، وَعِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ، وَلَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدَمُونَ، «وَلِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ»، وَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ، «مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ، وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ».

سرزنش انصار، به خاطر سکوت و کوتاهی ایشان:

٣١. ثُمَّ رَمَتْ بِطَرْفِهَا نَحْوَ الْأَنْصَارِ، فَقَالَتْ: يَا مَعْشَرَ النَّقِيبَةِ، وَأَعْضَادَ الْمِلَّةِ، وَحَضَنَةَ الْإِسْلَامِ! مَا هَذِهِ الْغَمِيزَةُ فِي حَقِّي، وَالسِّنَّةُ عَنْ ظِلَامَتِي؟ أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ أَبِي يَقُولُ: الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ، سَرْعَانَ مَا أَحَدَّثْتُمْ، وَعَجَلَانَ ذَا إِهَالَةٍ، وَلَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوَلُ، وَقُوَّةٌ عَلَى مَا أَطْلُبُ وَأَزَاوَلُ.

٣٢. أَتَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ؟ فَخَطَبُ جَلِيلٍ، اسْتَوْسَعَ وَهْنُهُ، وَاسْتَنْهَرَ فَتْقُهُ، وَانْفَتَقَ رَتْقُهُ، وَأُظْلِمَتِ الْأَرْضُ لِغَيْبَتِهِ، وَكُسِفَتِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ، وَانْتَثَرَتِ النُّجُومُ لِمُصِيبَتِهِ، وَاكْتَدَتِ الْأَمَالُ، وَخَشَعَتِ الْجِبَالُ، وَأُضِيعَ الْحَرِيمُ، وَأَزِيلَتِ الْحَرَمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ.

٣٣. فَتِلْكَ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى، وَالْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى، لَا مِثْلَهَا نَازِلَةٌ، وَلَا بَائِقَةٌ عَاجِلَةٌ، أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ اللَّهِ، جَلَّ ثَنَاؤُهُ، فِي أَفْنِيَّتِكُمْ وَفِي مُمْسَاكِكُمْ وَمُصْبِحِكُمْ، يَهْتَفُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ هُتَافاً وَصُرَاخاً، وَتِلَاوَةً وَالْحَانَا، وَلَقَبْلَهُ، مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، حُكْمٌ فَضْلٌ، وَقَضَاءٌ حَتْمٌ.

٣٤. «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ، قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ، أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ، وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ، فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئاً، وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ»

(آل عمران/١٤٦)



حضرت دوباره به انصار خطاب فرمود: چرا حمایت نمی کنید؟

۳۵. إِيهَاءَ بَنِي قَيْلَةَ! أَأَهَضَّمُ تُرَاثَ أَبِي، وَأَنْتُمْ بِمَرَأَى مَنِّي، وَمَسْمَعٍ وَمُنْتَدَى وَمَجْمَعٍ، تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ، وَتَشْمَلُكُمْ الْخَبْرَةُ. وَأَنْتُمْ ذُوو الْعَدَدِ وَالْعُدَّةِ، وَالْأَدَاةُ وَالْقُوَّةُ، وَعِنْدَكُمْ السِّلَاحُ وَالْجُنَّةُ.

۳۶. تُوَفِيكُمْ الدَّعْوَةُ، فَلَا تُجِيبُونَ، وَتَأْتِيكُمْ الصَّرْحَةُ، فَلَا تُغِيثُونَ، وَأَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَالصَّلَاحِ، وَالنُّخْبَةُ الَّتِي انْتُخِبْتَ، وَالْخَيْرَةُ الَّتِي اخْتِيرْتَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ، وَتَحَمَّلْتُمُ الْكَدَّ وَالتَّعَبَ، وَنَاطَحْتُمُ الْأُمَّةَ، وَكَافَحْتُمُ الْبُهْمَ، لَا نَبْرُحُ أَوْ تَبْرَحُونَ، نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمُرُونَ.

۳۷. حَتَّىٰ إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الْإِسْلَامِ، وَدَرَّ حَلْبُ الْأَيَّامِ، وَخَضَعَتْ نَعْرَةُ الشِّرْكِ، وَسَكَتَتْ فَوْرَةُ الْإِفْكِ، وَخَمَدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ، وَهَدَّاتُ دَعْوَةُ الْهَرَجِ، وَاسْتَوَسَّقَ نِظَامُ الدِّينِ، فَأَتَى حُرَّتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ، وَأَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ، وَنَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ، وَأَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيْمَانِ؟

۳۸. بُؤْسًا لِقَوْمٍ «نَكثُوا أَيْمَانَهُمْ، مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ، وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ، وَهَمُّ بَدُوِّكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ، اتَّخَشَوْنَهُمْ، فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ، إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».

۳۹. أَلَا، وَقَدْ أَرَى، أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ، وَأَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ، بِالْبَسْطِ وَالْقَبْضِ، وَخَلَوْتُمْ بِالِدَّعَةِ، وَنَجَوْتُمْ بِالضِّيقِ مِنَ السَّعَةِ، فَمَجَجْتُمْ، مَا وَعَيْتُمْ، وَدَسَعْتُمْ، الَّذِي تَسَوَّعْتُمْ، «فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا، فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ» (ابراهيم: ۸)

۴۰. أَلَا، وَقَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ هَذَا، عَلَى مَعْرِفَةِ مَنِّي، بِالْخِذْلَةِ الَّتِي خَامَرْتَكُمْ، وَالْغَدْرَةَ الَّتِي اسْتَشَعَرْتَهَا قُلُوبُكُمْ، وَلَكِنَّهَا فَيَضُّهُ النَّفْسِ، وَنَفَثَةُ الْغَيْظِ، وَخَوْرُ الْقَنَاةِ، وَبَثَّةُ الصِّدْرِ، وَتَقْدِمَةُ الْحُجَّةِ.

هشدار به غاصبین خلافت:

۴۱. فَذُونُكُمْ مَوْهَا، فَاحْتَقِبُوهَا، دَبْرَةَ الظَّهْرِ، نَقِبَةَ الْخُفِّ، بَاقِيَةَ الْعَارِ، مَوْسُومَةً بِغَضَبِ الْجَبَّارِ، وَشَنَارِ الْأَبَدِ، مَوْصُولَةً بِنَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ، الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفِيدَةِ. فَبِعَيْنِ اللَّهِ



مَا تَفْعَلُونَ، «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (شعراء/٢٣٧) وَأَنَا ابْنَةُ نَذِيرٍ لَكُمْ، بَيْنَ يَدَيَّ عَذَابٍ شَدِيدٍ، فَاعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ، وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ.

پاسخ ابوبکر:

٤٢. فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَصَدَقَتْ ابْنَتُهُ، مَعِدِنُ الْحِكْمَةِ، وَمَوْطِنُ الْهُدَى وَالرَّحْمَةِ، وَرُكْنُ الدِّينِ، وَعَيْنُ الْحُجَّةِ، لَا أَبْعُدُ صَوَابَكَ وَلَا أَنْكِرُ خَطَابَكَ، هُوَ لَاءِ الْمُسْلِمُونَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ، قَلَّدُونِي، مَا تَقَلَّدْتُ، وَبِاتِّفَاقٍ مِنْهُمْ أَخَذْتُ مَا أَخَذْتُ، غَيْرَ مُكَابِرٍ وَلَا مُسْتَبِدٍّ وَلَا مُسْتَأْثِرٍ، وَهُمْ بِذَلِكَ شُهُودٌ.

هشدار و اتمام حجت نهایی حضرت به مسلمانان:

٤٣. فَالْتَفَتَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ، إِلَى النَّاسِ، وَقَالَتْ: مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ، الْمُسْرِعَةَ إِلَى قِيلِ الْبَاطِلِ، الْمَغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ، أَفَلَا تَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ، أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا، كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ، مَا آسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ، وَ لَبِئْسَ مَا تَأْوَلْتُمْ، وَ سَاءَ مَا بِهِ أَشْرْتُمْ، وَ شَرَّ مَا مِنْهُ اعْتَضْتُمْ.

٤٤. لَتَجِدَنَّ وَاللَّهِ، مَحْمَلَهُ ثَقِيلاً، وَغِبَّهُ وَبِيلاً، إِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْغِطَاءُ، وَبَانَ مَا وَرَاءَهُ الضَّرَاءُ، وَبَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ، مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ، وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ.